

کاوشی در دین یهود

یہود یکی از اقوام بنی اسرائیل اند کہ بعدہا یہود بر تمام بنی اسرائیل اطلاق شدہ است ولی منظور از کلمہ یہود در قرآن و عرف زمان ما پیروان دین حضرت موسی علیہ السلام اند . بنی اسرائیل یعنی فرزندان یعقوب در سرزمین اردن سکونت داشتند این سرزمین کہ ارض مقدس خواندہ می شد از زمان ابراہیم جدی یعقوب محل اولاد وی شد . شرح حال ابراہیم در کتاب تورات (سفر تکوین بابہای ۱۱-۲۵ و دیگر جاہا) مسطور است . واکتشافات باستانشناسی در کلمہ و بین النہرین شمالی وجود اورا ثابت کردہ است (حکمت ، تاریخ ادیان ص ۱۷۹ چاپ چہارم ابن سینا) .

ابراہیم پسر تاریخ^۱ «آذر» در یک قبیلہ قدیمی سنامی در شہر اور کلدہ (ترجمہ طبری ۱/۱۷۶)^۲ در حدود ۱۹۹۰ سال قبل از میلاد بدنیآ آمد^۳ (قاموس کتاب مقدس

۱- در تاریخ یعقوبی ، ج ۱ ص ۵۱ چاپ نجف ، تاریخ طبری ، ج ۱ ص ۹۱ چاپ مطبعہ حسینہ مصر ، و ترجمہ آن توسط آقای پایندہ ، ج ۱ ص ۱۷۲ ، و تاریخ ابن اثیر ، ج ۱ ص ۲۲ چاپ محشی بمرج الذهب ، حیوۃ القلوب ج ۱/ ۸۴ تاریخ آمدہ ، ولی در مختصر الدول ابن عبری ، ترجم ، و در مروج الذهب و قاموس کتاب مقدس و سفر پیدایش و یادداشتہای آقای دکتر رامیار ، تاریخ ، ذکر شدہ و بعید نیست اختلاف مزبور از ناحیہ لہجات مختلف باشد .

۲- دہکدہ ای میان کوفہ و بصرہ کہ آنرا اور گفتند .

۳- در کتاب نبوت اسرائیلی صفحہ ۱۹ بہ نقل از تلمود ص ۴۳ میلاد ابراہیم را در حدود ۲۲۰۰

سال ق. م و ہزار سال پیش از مہاجرت موسی می نویسند .

صفحه ۴).

وی به حکم ضرورت و در تحت تأثیر اوضاع اجتماعی و مقتضیات اقتصادی باطائفه و عشیره خود از آن دیار شدر حال نمود و در سواحل فرات بطرف مغرب مهاجرت فرمود در نواحی فلسطین (کنعان)^۴ چندی ساکن شد (سفر پیدایش ۳۱/۱۱ تاریخ یعقوبی ۱۷/۱، نبوت اسرائیلی ص ۹۱) و پس از آن در سرحد مصر اقامت کرد (سفر پیدایش ۱/۲ تا ۲۷ تاریخ طبری ج ۱ تاریخ ابن اثیر ۳/۱، المختصر ابوالفداء ۳/۱، تاریخ ادیان حکمت ص ۱۸۰) ولی در تاریخ یعقوبی و نبوت اسرائیلی مهاجرت بنی اسرائیل را به مصر در زمان نوه او یعقوب می نویسد که منافات با مهاجرت قبلی ابراهیم ندارد.

سفر تکوین مشتمل بر روایات دینی عبرانیان قدیم می باشد که از ابتدای خلقت تا هنگام وفات یوسف صدیق در مصر بحث می کند.

هم در این کتاب ابراهیم را معاصر با پادشاهی در بابل ذکر می کند موسوم به امرافل (پیدایش: ۱۴) این پادشاه بظن قوی همان هامورابی معروف پادشاه مقنن بابل می باشد و در باب هفدهم همان سفر داستان ظهور یهوه بر ابراهیم و کلام او بتفصیل مذکور است (تاریخ ادیان حکمت ۱۸۰).

در سفر تکوین آمده: چون ابرام نود و نه ساله بود خداوند بر او ظاهر شده گفت من هستم خدای قادر مطلق، پیش روی من بخرام و کامل شو و عهد خویش را میان خود و تو خواهم بست و ترا بسیار کثیر خواهم گردانید... تا ترا و بعد از تو ذریت ترا خدا باشم... (سفر پیدایش ۱۷).

طبق روایات اسلامی ابراهیم ابتدا در شهر بابل سکونت داشت و بواسطه درگیری با نمرود بفاستین مهاجرت کرد آن گاه بسبب قحط سالی که مردم را مجبور به مهاجرت ساخت وی نیز با همسر خود ساره و عشیره خویش به مصر درآمد در آنجا به سعایت بعضی پادشاه مصر ساره را که ابراهیم از ترس جان خواهر خویش معرفی کرده بود بدربار خود برد ولی خدا نخواست که پرده عصمت وی دریده شود و در نتیجه خوابی که فرعون مصر دید یا معجزه ای که رخ داد ساره را به ابراهیم رد نمود علاوه کنیزی از آن

۴- در طبری شام و سپس خران و از آنجا بمصر می نویسد در سفر تکوین مهاجرت بکنعان را پس از خران و آخرین هجرت را بواسطه وقوع قحطی در آن دیار، بمصر نوشته است.

خورد بنام هاجر بساره بخشید ابراهیم پس از مدتی توقف در مصر ثروتی گرد آورد و با همسر خود و کنیز وی، به فلسطین مراجعت کرد.^۵

ساره که به نازائی خود یقین کرده بود کنیزك خویش (هاجر) را به ابراهیم بخشید و پس از زمانی خدا اسماعیل را از این کنیز به ابراهیم عنایت فرمود: این مطلب بر ساره گران آمد و همسر را مجبور به مهاجرت هاجر و فرزندش ساخت.

ابراهیم به انجام خواهش همسرش از طرف خداوند مأمور شد و این مادر و فرزند را در صحرای فاران^۶ محل کعبه که سرزمین بی آب و آبادی بود فرود آورد و به خدا سپرد چیزی نگذشت که بواسطه آفتاب سوزان مکه، تشنگی تاب و توان از کودک معصوم و مادر فکارش برد در این حال بود که دریای عطوفت به جوش آمده و چشمه ای زیر پای کودک نمایان شد.

سپس قبیله جرهم که در حوالی مکه به مالدار می گذراندند از وجود این چشمه اطلاع یافته و با کسب اجازه از هاجر برای همیشه بدین ناحیه منتقل شدند.^۷

اسماعیل جوانی برومند شد ولی برف پیری بر سروروی ابراهیم نشسته بود ساره هم که در سردوراهی غیرت و عطوفت متحیر بود گاهی اجازه دیدار پسر را به همسرش می داد ولی از این که خود دارای فرزندی نیست سخت ناراحت بود خداوند این ناراحتی را که بایأس توأم شده بود بر طرف ساخت و بوی نیز فرزندی عنایت فرمود و اسحق^۸ نامیده شد اسحق نیز بسن جوانی رسید ولی ابراهیم که می بایست آخرین امتحان خداشناسی را پایان رساند مأمور به ذبح فرزندش شد، در اینجا روایات اسلامی و تورات مختلف است در کتاب مقدس یهود مذبح را اسحق معرفی کرده ولی بیشتر

۵- پیدایش ۲۱/۲۱ .

۶- فکان ابراهیم قد خرج بها الى الشام من مصر خوفًا من فرعون فنزل السبع من ارض فلسطين

تاریخ ابن اثیر ۱/۳۶)

۷- کامل التواریخ ابن اثیر ۱/۳۶، خبوة القلوب ج ۱ ورق ۹۲

۸- اسحق یعنی خندان زیرا ولادت وی موجب شادمانی پدر و مادر پیر گردید (قاموس کتاب

مقدس)

احادیث اهل سنت و اشیر روایات وارده از خاندان عصمت اسماعیل را قربانی می‌داند.^۹
حیوة القلوب ج ۱ ورق ۹۷ .

باری امتحان تا آخرین مراتب خود انجام شد ولی خداوند با فرستادن فدیة، مذبح
را زنده نگهداشت .

بعدها هر يك از این دو برادر ازدواج نموده و از آنان فرزندان پدیدار گردید ولی
از اسحق که پدر بزرگ بنی اسرائیل است دو فرزند بوجود آمد یکی عیصو و دیگری
یعقوب ملقب به اسرائیل^{۱۰} . اسحق و یعقوب یکی پس از دیگری بر هبری قوم و نبوت
مبعوث شدند ، یعقوب بدستور پدر از زادگاه خود شهر (فدان آرام) که بقولی زادگاه
ابراهیم بود مهاجرت کرد و در آنجا با دو دختر دائیش (لابان) که لیا و راحیل نام داشتند
ازدواج کرد و از این دو خواهر و دو کنیز آن دو که بوی بخشیده بودند دو ازده پسر آورد
که پدر اسباط دوازده گانه^{۱۱} قوم بنی اسرائیلند و چون وی بلقب اسرائیل^{۱۲} شهرت یافته
احفاد وی را بنی اسرائیل می‌نامند .

ابتدا بنی اسرائیل بر تمام اسباط دوازده گانه اطلاق می‌شد لکن پس از تقسیم مملکت
در سلطنت (رحبعام)^{۱۳} قسمت شمالی اسباط عشره در مقابل مملکت یهود بدین لقب معروف

۹- قصه قربانی در کتب عهد عتیق نیز یافته می‌شود (پیدایش ۲۲) و در تفاسیر آن نیز بتفصیل باشد
مدراس تانحوما) بنقل از یادداشتهای آقای دکتر رامیار .

۱۰- اسرائیل یعنی کسیکه بر خدا مسلط گشت (قاموس کتاب المقدس) زیرا با خدا و با ایشان مجاهده
کردی و نصرت یافتی (سفر پیدایش ۳۲ : ۲۹) .

۱۱- نام این اسباط چنین است : روبیل - شمعون - لای - یهودا - ایسافر - زابلیون - (ازلیاد
دختر بزرگ لاوان) - یوسف (یساکار) بنیامین (از راحیل) وان - نفتالی (از بلهه کنیز راحیل) جاد -
اشیر (از زلفه کنیز لیا) زادگاه اسباط همان شهر فدان بوده و فقط بنیامین در کنعان ولادت یافت .

۱۲- وی در قرن ۱۹ ق. م می‌زیسته (دائرة المعارف ماده ۱ اسر) .

۱۳- رحبعام (یعنی کسیکه قوم را وسعت می‌دهد) پسر و جانشین سلیمان بوده که در چهل و
یکسالگی به تخت سلطنت الیهود اجلاس کرد و مدت ۱۷ سال سلطنت نمود و چون مردم از فشار مالیات
در رنج بودند ده طایفه از اسباط اثنی عشر از اطاعت او سرباز زده و بر رحبعام را بیادشاهی برگزیدند و جز
طایفه یهودا و بنیامین در حکم وی نماند (نقل از قاموس کتاب المقدس ص ۴۱۱ و ص ۴۶۹) .

گردیدند از این زمان شرح حال یهود تاریخ جداگانه‌ای را بوجود آورد قبل بنی اسرائیل بواسطه تنگسالی که در فلسطین و ممالک مجاور آن وقوع یافته بود بدعوت یوسف به مصر مهاجرت نمودند بواسطه جمعیت روزافزون و کثرت اموال و مواشی که خدایانان مرحمت فرموده بود و نیز بواسطه اختلاف نژادی و مذهبی که بین آنان و قبطیان وجود داشت تحت شکنجه رآزار ذراعه مصر واقع شدند و چنانکه در قرآن آمده حتی نوزادان ذکور آنان محکوم به مرگ بودند تا در اواسط قرن ۱۷ ق. م. برهبری موسی از مصر خارج شدند .

باری یهود بواسطه نافرمانی خدا و رنگ بت پرستی که کم کم بخود گرفته بودند بدست سلاطین مصر دچار شکنجه گردیدند .

آبرماله در تاریخ ملل شرق و یونان می‌ویسد :

ملت یهود قوم کوچکی از بنی‌سام بوده و اصلاً از کالده آمده قبایل آنان مدت‌ها در بیابانهائی که فیما بین بین النهرین و فلسطین و مصر واقع شده بحالت چادر نشینی عمری بسر آورده بودند و بهمان وضع چادر نشینان صحرای آفریقا زندگانی می‌کرده‌اند باین معنی که در دره‌های پر آب و علف می‌افتادند و چرن مراتع آن رو بسمای می‌گذاشت تفسیر جا می‌دادند و مخصوصاً در اطراف فلسطین و مصر می‌گشتند ... موقعی هم که در فلسطین جایگیر شدند باز به قبائل منقسم بودند و فقط در حدود هزار سال قبل از میلاد سلطانی بر خود برگزیدند بنابراین ملت یهود خیلی دیر کارش بانجا رسید که دولتی بسازد و تنها امتیازی که در میان اقوام یافته از نظر مذهبی است که آورد آنها در زمانی که اقوام دنیا مشرک و بت پرست بودند و خدایان خود را بشکل حیوان و یا انسان می‌ساختند ولی ملت یهود خدای واحدی داشت که یهوه‌اش می‌نامید و سرمد و قادر متعالش می‌گفت در راه او بذل قربان می‌کرد و او را جسم نمی‌دانست . در میان یهود بت پرستی گناهی بود که عقوبت سخت داشت . هر وقت که غیرت مذهبی یهود غباری می‌گرفت مردی که پیغمبر می‌شد ظهور کرده و در نتیجه الهام خداوندی پیشگوئیهای نموده غبار را می‌زدود ...

شیوخ

شیوخ در زمان سابق مثل ایام حالیه در نزد مردم ، بعضی بواسطه تقدم سن و برخی بواسطه تقدم رتبه و علم اعتبار تمام می داشتند و همواره اهل مشورت بودند (سفر خروج) در ازمنه قدیم ملت یهود بقبائلی منشعب بوده و بهدایت شیوخ زندگی می کرد. شیوخ یا کهنه (جمع کاهن) رئیس طائفه بودند و همچنان که در اوائل امر میان سایر اقوام نیز معمول بوده است به کهنات و قضاء هر دو می پرداخته و در جنگ فرماندهی داشته و صاحب قدرت مطلقه بوده اند . تاریخ شیوخ در کتاب اول تورات موسوم بسفر تکوین آمده در سفر تکوین می نویسد که ابراهیم یکی از شیوخ یهود و از شهر اورکنده بوده و در زمان پادشاه آرافل زندگی می نموده بعدها بامر خداوند راه افتاد در کنعان که خاک فاسطین است مسکن گزید پسرش اسحق جانشین او گردید یعقوب پسر کوچک اسحق است و عیسو برادر اسحق و از آنجا که یعقوب اسرائیل لقب داشت ملت او را بنی اسرائیل می گفتند ... یعقوب و عیسو هر یک در میان قوم خود سمت شیخ قبیله را دارا بودند (رک : سفر تکوین) سپس بامر خداوند حضرت موسی ، برادرش هارون را سمت کاهنی داد ، کهنه و شیوخ قوم ، امر سرکردگی و ریاست لشکر را نیز عهده دار بودند و این امر تا زمان شاول «طالوت» ادامه داشت (قرآن مجید سوره بقره آیه ۲۴۷ ، قاموس کتاب مقدس ۵۱۱) .

بنی اسرائیل پس از این که مدتی در کنعان زندگی کردند به مصر آمده و در آنجا جای گرفتند . شاید این مهاجرت در موقعی صورت گرفته باشد که سلاطین هیکنس بنزور قوایی که از آسیا آورده بودند تمام امور مملکت مصر را در دست خود داشتند باین روایت تورات و قرآن^{۱۴} استقرار بنی اسرائیل در مصر بواسطه یوسف یکی از پسران یعقوب انجام یافت .

۱۴- تفصیل این داستان را در سوره یوسف و تفاسیر آن و نیز در کتابهای بحاره حیوان القلوب

خروج بنی اسرائیل از مصر :

بنی اسرائیل در اراضی حاصلخیز مصر سفلی روبه فزونی گذاشتند ولی عاقبت حالشان دگرگون گشت احتمال می‌رود که چون فراغنه تب ، قوم هیکس را از مصر راندند وضع بنی اسرائیل نیز در مصر عوض شده باشد زیرا باقبایل آسیائی که در مصر اقامت داشتند به سختی رفتار می‌شد و آنها را بسخت‌ترین مشقات وامی‌داشتند بالاخره کار این عذاب و شکنجه با آنجا رسید که بنی اسرائیل یکسره نرار اختیار کردند و دوباره در صحاری شبه جزیره سینا به بیابان گردی مشغول شدند (در حدود ۱۴۰۰-۱۲۰۰ قبل از میلاد)^{۱۵} .

حضرت موسی :

خروج بنی اسرائیل از مصر در تحت ریاست مردی صورت گرفت که موسی نام داشت وی بزرگترین پیغمبر بنی اسرائیل و پیشوای یهود است که کلیم الله لقب یافته در قرآن مکرر از موسی نام برده شده و گوشه‌هایی از زندگی وی را یاد نموده^{۱۶} . در کتاب دوم تورات که موسوم بسفر (خروج) است تاریخ موسی و خروج بنی اسرائیل را از مصر چنین نقل می‌کند .

فرعون فرمان داده بود موآود اول خانواده‌های بنی اسرائیل را به قتل برسانند در این موقع خدا بر بندگان خود رحمت آورد و پسری را که باید منجی قوم بشود از مرگ نجات داد مادر موسی به قصد این که فرزند خویش را از مرگ بدربرد او را در سبیدی قیراندود گذاشته در نیزارهای کنار نیل انداخت ، دختر فرعون او را دید و از آب گرفت و موسی نام نهاد . (یعنی نجات یافته از آب) موسی در دربار فرعون تربیت یافت^{۱۷} و بزرگ و نیرومند گردید روزی می‌گذشت دید مردی یکی از بنی اسرائیل را می‌زند بکمک

۱۵- در دایرة المعارف خروج موسی از مصر را بسال ۱۶۴۵ می‌نویسد ص ۲۸۱/ ح ۱/ .

۱۶- به سوره‌های : البقره - نساء - اعراف - یونس، طه ، شعراء، قصص، غافر مراجعه فرمائید.

۱۷- این داستان را شاعره قرن معاصر (پروین اعتصامی) به بهترین وجهی پرورانده بدیوان وی

مراجعه شود .

یهودی برخاسته مصری را بکشت ولی چون از عقوبت ترسید به صحرا گریخت و شبانی اختیار کرد در آنجا خداوند بدو ظاهر شده گفت: من مصیبت قوم خود را که در مصر اقامت دارد دیدم و فریادهای درد آلود آنها را شنیدم نزد فرعون برو و قوم بنی اسرائیل را از مصر بیرون بر موسی برگشته نزد فرعون رفت و رسالت خود را تبلیغ و معجزاتی برای تأیید مدعای خود آورد و چون فرعون وی را اجابت ننمود از او تقاضا کرد که بنی اسرائیل را در خروج از مصر آزاد گذارد ولی فرعون به خروج بنی اسرائیل رضایت نداد آن وقت خداوند بایاتی سخت بر مصریان نازل کرد چنان که از آسمان غوغا و منغ می بارید و از ماخ ابری پدید آمد، آبها خون شد طاعون ظهور کرد، تگرگ باریدن گرفت ظلمت های غلیظ پدید گردید. مولود حیوانات مردند این بلیات آیات ده گانه نامیده می شود. فرعون بو حشت افتاد و بانان اجازه خروج داد. ولی دوباره عقیده اش برگشته گروهی از لشکر خویش را فرستاد تا فراریان را دنبال کنند اما آب دریای احمر که به حکم موسی شق شده و برای حرکت بنی اسرائیل راه داده بود دوباره بهم آمد و فرعونیان را فرو برد.

تشکیلات ملت یهود از موقعی شروع شد که آن قوم از مصر خارج گردید.

موسی علاوه بر این که پیغمبر و طرف وحی خدا و پیشرو خروج از مصر بود واضع قوانین و احکام دینی است که هنوز تعداد زیادی پیرو دارد و اصولاً تنها دینی است که با حفظ مبانی توحید و یکتاپرستی از ۱۴ قرن ق. م. باقی مانده. هنگام مهاجرت از مصر بنی اسرائیل را چیزی جز اعتقاد به یهوه نبود موسی باعتبار این اصل قوانینی گذاشت و بنی اسرائیل را فی الواقع ملت خدا گردانید.

ولی قوم یهود اصولاً سرسخت و عنود بودند^{۱۸} هنگامی که موسی بکوه طور رفته بود و خداوند با و وحی می فرستاد چون آمدن وی چهل روز بطول انجامید مردم برای خود بتی بشکل گوساله از زر و زیور ساختند و به عبادت وی پرداختند. موسی هنگام مراجعت با جشن این معبود تازه رو برو شد سخت ناراحت گردید و از شدت غضب الزوا حی

۱۸- و خداوند بعوسی گفت بنی اسرائیل را بگو شما قوم گردن کس هستید (سفر خروج باب ۳۴)

نیز بقرآن مجید سوره بقره آیات ۴۰ تا ۱۰۱ مراجعه فرمائید.

را که در آن وحی مکتوب بود بزمین افکند و شکست و به جرم (گوساله پرستی) بنی اسرائیل را مأمور کشتن بت پرستان که از خویشان آنان محسوب می شدند نمود^{۱۹}.

موسی معبدی ترتیب داد تا مراسم عبادت را در جشنها در آنجا به عمل آورند. معبد را پرده دست دوزی که رنگی تند داشت و تابناک نامیده می شد، می پوشانید و به سه قسمت می شد: محلی که مخصوص قربانی بود (مذبح) (سفر خروج باب ۲۷ و ۳۰) محراب که هدایا و نذورات را در آنجا می آوردند حرم الاحرام که صندوق عهد را آنجا می گذاشتند. صندوق عهد از چوب شطیم طلاکوب شده و حاوی الواح قوانین بوده است (سفر خروج باب ۲۵) و هارون و پسرانش را برای کهانت معبد معین ساخت (خروج ۲۸). موسی^{۲۰} بنی اسرائیل را از تیه عبور داده^{۲۱} و تا حدود کنعان رسانید. ولی خود بسال ۱۶۰۵ ق.م. در صحرای سینا بدار باقی منتقل شد^{۲۲}.

بنی اسرائیل بر راهنمایی پیغمبر دیگری موسوم به یوشع وارد آن خاک گردیدند (صحیفه یوشع باب ۱ تا ۵) اما برای این که در آن سرزمین جایگیر شوند با اقوامی که در آن موقع فلسطین را در تصرف داشته دائم مشغول جنگ بودند اقوام مزبور در جنوب عمالقه و مدینیه ها بودند و روی فلات کنعانیها و در شرق نزدیک صحاری قبایل آمون و موآب و در کنار ساحل فلسطیان. بنی اسرائیل در اوائل تحت فرمان یوشع غلبه کردند و شهر بیریحورا گرفتند و ای عاقبت چون دیگر رهبری نداشتند و قبائل از یکدیگر جدا شده بودند پیایی شکست خوردند معینا هر وقت خطری صعب روی می نمود امر را به قضاة «کهنه» وامی گذاشتند که وظیفه مهمشان فرماندهی قشون بود. عادتاً قاضی

۱۹- قرآن سوره طه: آیه های ۸۳ تا ۶۷ سفر خروج باب ۳۲.

۲۰- تا این قسمت رویدادهائی است که بتفصیل در سفر خروج ذکر شده سپس در سفر لاویان قوانین

قربانی و احکام و اوامری است که خداوند بموسی برای بنی اسرائیل در کود سینا امر فرموده. انگاه در سفر اعداد اوامر و احکامی است که خداوند بواسطه موسی در اردن به بنی اسرائیل امر فرمود و انگاه در سفر تثئیه شروع می شود که شامل فرامینی است که در موآب بموسی نازل شده.

۲۱- این محل همان صحرای سینا است که در تفاسیر قرآن به تیه تعبیر شده.

۲۲- دایره المعارف ج ۱ ص ۲۸۱ سفر تثئیه باب ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴ و در این زمان وی صدوبیست

ساله بود (تثئیه باب ۳۱).

بعموم اقوام بنی اسرائیل فرمان نمی داد بلکه تنها بر قبیله ای که خود در میان آنها بود ریاست داشت. اول کسی که بامر خدا بمنصب ریاست کهنه سرافراز گردید هرون بود (سفر خروج ۱۸) از آن پس العازار پسرش جانشین وی گردید از آن پس ریاست کهنه در خانواده وی باقی ماند (قاموس کتاب مقدس ص ۷۱۲). این طرز حکومت مدتی باقی ماند ولی چون قبائل به خطری که از تجزیه آنها ناشی شده بود پی بردند عزم کردند که پادشاهی جهت خود اختیار نمایند و در تحت حکومت او برای همیشه باهم جمع باشند. یکی از اسفار تورات منحصر باحوال قضات است که در میان آنها گدهون و یفتاح و شمون و شموئیل به مناسبت کارهایی که کرده اند آوازه شهرشان بیشتر پیچیده است.^{۲۳}

مخوف ترین دشمنان بنی اسرائیل فاسطینیان بودند که قومی جنگجو بوده و از شمال آمده و در آنجا متوطن شده بودند فلسطینیان در ابتدا بخیال تسخیر مصر براه افتاده بودند (در حدود ۱۲۰۰ ق.م) ولی چون مردم مصر بایشان راه ندادند در سواحل فلسطین قرار گرفتند و در چند شهر مستحکم مانند غزه^{۲۴} سکونت گزیدند و بنی اسرائیل را مکرر شکست دادند و ربه اطاعت را بگردن ایشان گذاشتند.^{۲۵}

بنی اسرائیل طی جنگهایی که با فاسطینیان کردند نکالی منهزم شده و چاره ای جز پذیرش شرائط خصم ندیدند و بدینسان بیست سال گذشت تا بوسیله شموئیل نجات یافتند.

شموئیل تمام ملت اسرائیل را به عید صفا خواند زیرا بسیاری از آنها کم کم مشرک

۲۳- گدهون کسی است که با مدینهها در افتاده و بر آنها فاتق آمده است زیرا مدینهها هر سال کشت

بنی اسرائیل را غارت می نمودند و این قضیه در قرآن طی داستان طالوت و آزمایش بنی اسرائیل به نوشتن از آب حکایت شده.

۲۴- غزه (قوی) اولین شهر از شهرهای فلسطینیان است که سه میل از ساخل دریا دور بوده (قاموس

کتاب مقدس ۶۲۵) ..

۲۵- یهلوان این واقعه شمول بود که بالاخره سرش فاش و در نتیجه بزنجیر کشیده شد ص/ ۹۷ ملل

شده بودند. باری فلسطینیان طی جنگی که بابنی اسرائیل نمودند منهزم گشته و مجبور به عقب نشینی و مراجعت به وطن خود گردیدند.

بنی اسرائیل از این پس تحت فرمان وی دولت واحدی تشکیل داده و در آخر حسب تقاضای قوم، شاعول^{۲۶} را که از تیره بنیامین بود به سلطنت برگزیدند^{۲۷} و از این تاریخ رهبری قوم اسرائیل که به توسط شیوخ انجام می شد به سلطنت تبدیل شد (قاموس کتاب مقدس ۵۱۱) طی دوران اخیر در زمان سلطنت داود و سلیمان، بنی اسرائیل به اوج عظمت و اقتدار خود رسیدند. معبدی که سلیمان در اورشلیم بنا نهاد مرکز عبادت و زیارت گردید ولی در موقع مرگ سلیمان بنی اسرائیل تجزیه شدند و به دودولت یهود و اسرائیل منقسم گردیدند و همین تجزیه باعث شد که در مقابل دولت های نیرومند معاصر (کالده و آشور) بزانو در آمدند.

تفصیل این اجمال از این قرار است که داود (بمعنی محبوب) که نخست بشبانی می پرداخت بواسطه صفات عالی خود (رشادت صدای خوش و صباحت و قرحم)^{۲۸} طرف توجه عموم گردید و در نتیجه قوم بیابان گرد یهود را تخت حکومت واحدی در آورد. وی در جنگ فلسطینیان جابات (جالوت) را بقتل رسانید سوره بقره ۲۵۲ و خلاصه سیر از مرگ شاول به سلطنت رسید (دائرة المعارف مصاحب) و اورشالیم^{۲۹} را که یکی از استحکامات کنعانیها بوده و ژبوس نام داشته پایتخت قرار داد. اورشالیم موقعیت بسیار مناسبی داشت زیرا کوه صهیون که ارگ دولتی در بالای آن قرار گرفته بود دارای استحکام طبیعی و مصون از حوادث احتمالی بود. بعلاوه محل شهر سرچهارراهی است

۲۶- شاول = طالوت

۲۷- چون طالوت طبق تعالیم سموتیل رفتار ننمود و پراغزل و داوود را به سلطنت برگزید در

اواخر عهد وی عهد یهود بالغ بر / ۱۵۰۰۰ شده بود ص / ۲۸۲ - دایره) .

۲۸- اول سموتیل / ۱۶ .

۲۹- اورشلیم از دو کلمه (اور) بمعنی شهر و (شلیم) بمعنی سلامتی ترکیب یافته و معنای آن شهر

سلامتی و امن است (قاموس کتاب مقدس ۱۱۸ دائرة المعارف مصاحب / ۴۸۲) . اورشلیم در ۵۸۶ ق م بتصرف

دولت بابل درآمد در سال ۷۰ میلادی تیتوس امپراطور روم آنرا ویران کرد دو در زمان قسطنطین تجدید

گردید .

که از بحر الروم (مدیترانه) به اردن یا از مصر بشام می‌رود. داود طی توقف در اورشلیم می‌توانست علاوه بر نظارت امور کشور و رعایا از جانب بحرالامیت و شام و بحر الروم به دشمنان حمله کند.

صندوق عهد را با تجمل و تشریفات کامل باریک انتقال داده (قاموس کتاب مقدس ۳۶۹) و بدین وسیله اورشالیم را پایتخت سیاسی و مذهبی گردانید.

داود از احاطه قوای جنگی کاملاً نیرومند بشمار می‌رفت زیرا يك فوج مخصوص شامل داوطلبان یهودی و مزدوران فاسطینی اساس قشون منظم و دائم وی بود. داود عرض این که در مواقع ضرورت قشون زیادی بگیرد یک‌عهده قشون ثابت ۲۴ هزار نفری از قبائل مختلفه جمع نموده بوده که بدسته‌های دوهزار نفری قسمت می‌شد.

داود با این قوه دست‌بکار قلع و قمع کایه اقوامی گردید که در آن وقت مزاحم بنی اسرائیل بودند و باین ترتیب متوالیاً فاسطینیان و قبائل موآب و ایدومه و عمالقه و شامیها را دست‌نشانده خود گردانید و دولتش از فرات تا دریای احمر بسط یافت (قاموس کتاب مقدس ۳۶۹).

داود در ایام کهولت با توطئه‌ها و جنگهای خانگی مصادف گردید وقتی ناچار شد که بایکی از پسران خود موسوم به ابیشالوم نیز بجنگد در این ستیز افواج وی بر ابیشالوم چیره‌گشتند و برخلاف امر داود که بر فرزند عاصی نیز مهربان بود او را کشتند و این ماجری اثری عمیق در داود گذارد (مزامیر داود).

بالاخره داود سایمان را به جانشینی خود تعیین کرده پس از چهل سال سلطنت در سن ۷۱ سالگی وفات نمود (حدود ۹۷۴ ق.م) و در اورشلیم بر کوه صهیون مدفون گشت (قاموس کتاب مقدس ۳۷۱) سایمان (یعنی پراز سلامتی) ساطانی صلح‌طلب و مدبر بود (قاموس کتاب مقدس ۴۸۵) تجارت را بسط داد و اورشالیم را معبدی معظم و مزین ساخت (یکم پادشاهان ص ۲) سایمان در صدد برآمد که از راه تجارت عوائد خود را بسط دهد و بدین نظر روابط یگانگی و دوستی را با سایر سلاطین مستقر نمود (یکم پادشاهان ۱۰۹) قاموس کتاب مقدس ۴۸۵).

سایمان دنباله کار پدر را در ساختمان معبد اورشلیم ادامه داد و بدستیاری معماران صور از روی گردۀ معابد آشور و مصر قصر عظیمی ساختمان نمود (قاموس کتاب مقدس

ص ۴۸۵ - یکم پادشاهان (۷) وصف این معبد بزرگ و مجال در تاریخ مال و شرق و یونان
ص ۱۰۴ آمده .

بلاخره سایمان در سال ۹۳۰ ق.م بدرود جهان گفت و پس از مرگ وی سلطنت واحد
بنی اسرائیل دچار تجزیه گردید .

چه قبایل شمالی زیر بار رحبام که پسر بزرگ سلیمان و جانشین قانونی او بود
رفتند و شخصی بنام یربام^{۳۰} را به پیشوائی خود برگزیدند .

بنی اسرائیل به دو دولت شمالی (شامل اقبیله و سبط که بعدها دولت بنی اسرائیل
بدان اطلاق می شد) و دولت جنوبی معروف به دولت یهود (شامل دو قبیله یهودا و بنیامین
تجزیه شد . دولت اخیر (یهودا) در اورشالیم اقامت گزیدند و بخش شمالی یعنی بنی-
اسرائیل پس از چندی که ساماری (سامره)^{۳۱} ساخته شد آنجا را مرکز خود قرار دادند.
در این شهر بود که وی رسم گرساله پرستی را تجدید کرد (یکم پادشاهان ص ۱۲) .

بازی این اختلاف باعث شد که نزاعهای داخلی از یکطرف و هجوم مصر^{۳۲} و آشور
از طرف دیگر بلاخره هر دو قوم را منقرض و متواری ساخت .

دولت اسرائیل پس از دو بیست سال یعنی در سال ۷۲۲ ق.م^{۳۳} بطور فاحشی از آشور
شکست خورده و شهر ساماری (سامره) را از دست دادند و قوم اسرائیل به اسارت به
بلاد آشور منتقل شدند . دولت یهودا حدود ۳۸۹ سال دوام یافت و ۱۹ نفر از اعیان
داود سلطنت رسیدند که فقط عثلیا از نسل داود نبود .

۳۰- (حیرحجام) ص ۲۸۲ دائره المعارف وجدی . ج ۱ / ۱ .

۳۱- سامره (ساماریا) شهر قدیم ، ناحیه سامره ، فلسطین مرکزی ، برتلی در شمال غربی نابلس
(شکیم) به فاصله (سی میل) ۵۸ کیلومتری شمال غربی اورشلیم که اکنون آبادی سبطیه (یا سپسطیه)
در محل آن قرار دارد . در قرن نهم قبل از میلاد بوسیله عمری ، پادشاه اسرائیل ، بعنوان پایتخت مملکت
اسرائیل بنا شد در ۷۲۲ ق م آشوریه آنجا را تسخیر کردند و یوحنا میرکانوس آنرا ویران نمود (۱۲۰)
ق .) بعدها رودس کبیر آنرا از نو ساخت بنقل روایات ، یوحنا ی معمدان در آنجا مدفون است (قاموس
کتاب مقدس ۳۶۰ - دائره المعارف مصاحب ۱۲۴۶) .

۳۲- مصریان در پنجمین سال سلطنت رحبام به اور شلیم هجوم آورده و معبد آنجا را غارت کردند

۳۳- ملل و نحل یاسمی ص ۸۸/

ولی دولت یهودا نیز که طی مرور زمان از روش دینی خود منحرف شده بود یکبار در سال ۹۲۵ بدست آشوریها مغلوب و اورشلیم تسایم و باجگذار ملت آشور گردید.^{۳۴} و بار دیگر در سال ۵۸۶ ق.م^{۳۵} بنوکدنزر (بخت النصر) پادشاه بابل اورشلیم را گرفته و خراب نمود و یهود را به اسارت به بابل برد.^{۳۶}

بعدها اورشلیم باکمک داریوش دوباره بنا گردید (۵۳۵ ق.م) و یهود بلاد خویش را به چهاربخش نموده و تقریباً حکومت (سیتوکراتیه) که تحت ریاست حاخام (باحاء و خاءیا با دو خاء بمعنی ربی) کبیر اداره می شد تشکیل دادند حاخام بانظریه شورای شیوخ که از ۷۲ نفر تشکیل شده بود به حل و فصل امور می پرداخت و بر این نحوه مدتی باسایش بسر بردند تا این که اسکندر مقدونی مهیای حمله به اورشلیم گردید یهود چون خود را برای مقابله با وی قادر نمی دیدند تسلیم شده و از وی استقبال کردند و (یادوع) حاخام خبر جهانگشائی او را از دانیال بوی ابلاغ نمود، اسکندر بدین سبب با آنان بحسن سلوک رفتار نمود (قاموس کتاب مقدس ۵۷) و حتی تا ۷ سال از اخذ خراج معافشان داشت پس از فوت اسکندر فاسطین به یکی از سرداران وی منتقل شد و دیری نپائید که بطالمیوس^{۳۷} (سوتر ۳۲۳ تا ۲۸۵ ق.م) این سرزمین را متصرف و جمعی از یهود را به مصر کوچ داد (۳۲۰ ق.م) (قاموس کتاب مقدس ص ۱۷۹). منتهی با آنها بخوبی رفتار نمود.

در سال ۳۰۰ ق.م پادشاه سوریه بر مملکت یهود مسلط گشت ولی به فاصله کمی

۳۴- در سال ۶۱۲ سیاگزار پادشاه قوم (ماد) که ابتدا خراجگذار آشور بود بکمک پادشاه بابل، نینوا (بایتخت آشور) را گرفته خراب کرد و قلمرو آشوریان بین این دو دولت تقسیم شد ولی این واقعه تغییری در حال اورشلیم نداد

۳۵- تاریخ مال شرق البرماله - ولی ندر دائره المعارف ج ۱ ص ۲۸۲ در سال ۵۸۷ می نویسد .

۳۶- چون صدقیا پادشاه یهود بر بخت النصر یاغی شد - لذا وی او و پسرش را کور کرد و معبد را آتشزد (ملل و نحل یاسمی) .

۳۷- بطالس، جانشینان اسکندر مقدونی را گویند که پس از وی بر متصرفات او حکومت نمودند و نام شش نفر از بطالس در کتاب مقدس مذکور است (قاموس کتاب مقدس / ۱۷۸) .

دوباره تحت حکم مصریان درآمد ثانیاً در سال ۲۰۳ ق.م سوریه فلسطین را از مصر گرفته و یهود را در آزار و شکنج قرارداد .

تا بتوسط یکی از روحانیون یهود در سال ۱۶۵ ق.م این قوم خود را از سلطه اهل سوریه خلاص نمودند ولی بواسطه اختلافات داخلی رومیان بر فلسطین مسلط گردیدند (۶۳ ق.م) .

طی دو قرن از این تاریخ یهود کراراً بدست رومیان مقهور گردیده و یکبار معبد اورشلیم (در سال ۷۰ م) و دیگر بار تمام شهر (در سال ۱۳۵ م) بتوسط آنان خراب گردید و در این جریان تعداد زیادی از یهود کشته و اسیر شدند^{۳۸} .

کشتکار قضیه اخیر که منجر به تفرق یهود گردید بالغ بر پانصد هزار تن بوده^{۳۹} . از این پس یهود در اکناف عالم از بین النهرین و ایران و هندوچین و اروپا متفرق شدند و در این بلاد خاصه اروپا مواجه باشنداندی گردیدند^{۴۰} که در تاریخ بشر کمتر ملت و جمعی به این مقدار اذیت و آزار دیده است^{۴۱} .

از دورانهای محنت بار یهود دوران اسارت بابل در تحت تسلط بخت النصر است که یهود هفتاد سال زیر شکنج وی در بابل بسر بردند تا کورش کبیر پادشاه قوم پارس پس از فتح بابل (در سال ۵۳۹ ق.م)^{۴۲} بآنها اجازه داد که به اورشلیم مراجعت کنند و معبد خود را مجدداً بنا نمایند .

باری طی این مدت عقائد یهود با خرافات و گاهی شرك و بت پرستی که لازمه تأثیر ملل غالب در مغلوب است توأم می گردید که خطابه های آتشین و مواعظ انبیاء بنی-اسرائیل مردم را متنبه ساخته و به توحید می گرائیدند .

این پیغمبران که ارمیا و حزقیل و دانیال از معاریف آنانند مجدد و مذكر

۳۸- مملکت فلسطین بعد از جنگ برموک جزء متصرفات اسلامی گردید .

۳۹- دائره المعارف فرید وجدی ج / ۱ / ص / ۲۸۴ .

۴۰- مخصوصاً جوستینیان و هراکلیوس یهود را بسیار آزار نمودند تا پس از فتح روم به توسط مسلمین یهود توانست نفس راحتی بکشد .

۴۱- برای توضیح بیشتری به دائره المعارف فرید وجدی ج ۱ / ص / ۲۸۶ به بعد مراجعه کنید .

۴۲- ۵۳۶ دائره المعارف .

تورات و دین موسی بوده و دین تازه‌ای نیاورده‌اند .

اما عقاید یهود و تعالیهات موسی :

اساس مذهب یهود تورات «بمعنی شریعت یا قانون»^{۴۳} است این نام گاهی بر پنج سفر اول کتاب المقدس و زمانی بر کلیه کتب عهد قدیم^{۴۴} اطلاق می‌گردد . مقصود از عهد عتیق (قدیم) ۳۹ کتاب بخش اول کتاب المقدس است (قاموس کتاب مقدس ص ۶۲۵) که ۲۴ کتاب آن مورد قبول یهودیان است و ۱۵ کتاب دیگر را مسیحیان جزء کتب عتیق می‌دانند گرچه کایسای کاتولیک ۴۵ کتاب را از عهد عتیق مقدس و محترم می‌شمارند و پروتستان‌ها همان ۳۹ کتاب را (نبوت اسرائیلی ، ص ۱۰۹) . این قسمت بضمیمه ۲۷ کتاب از بخش دوم مجموعه (که مشهور بعهد جدید است) کتاب المقدس را که عیسویان آنها را محترم و مقدس می‌شمارند تشکیل می‌دهد . پنج سفر که در دیگر کتابهای مقدس بنام تورات خداوند و کتاب عهد و تورات موسی و کتاب موسی نامیده شده (قاموس کتاب مقدس ص ۲۲۵) عبارت است از :

- ۱- سفر پیدایش (تکوین) شامل اول خاقت تافوت یعقوب .
- ۲- سفر خروج مشتمل بر احکام نازله بر موسی در طور سینا .
- ۳- سفر لاویان^{۴۵} حاوی نظام احکام دینی و شرایع و قواعد و حدود سبط لاوی
- ۴- سفر اعداد شامل اخبار مسافرت بنی اسرائیل در دشت سینا و اراضی کنعان

این قسمت را بدین جهت سفر اعداد گویند که دوباره بتعداد بنی اسرائیل پرداخته^{۴۶} .

۴۳- در گنجینه تلموذ آمده تورات که بطور نادرست اغلب (قانون یا شریعت) ترجمه می‌شود در حقیقت بمعنی (آموزش و هدایت) است .

۴۴- مراد از عهد پیمان است که خدا با قوم موسی کرده است (ملل و نخل یاسمی ص ۹۰) و اطلاق آن بر کتب مقدس بواسطه حاوی بودن آنها مفاد عهد مزبور را می‌باشد نیز رجوع کنید بقاموس کتاب مقدس کلمه عهد . که موارد اطلاقات این کلمه را در کتاب مقدس بیان نموده .

۴۵- منظور از لاویان جمعی از اولاد هارون برادر حضرت موسی میباشد که باسم عشیره لاوی منسوب است . این طایفه گرچه مالك اراضی و املاکی نبودند ولی در ۴۸ قریه و شهرک بامر قضاوت اشتغال داشتند و امور آنان از اوقات و نظیرات میگلشت (ملل و نخل یاسمی) .

۴۶- ملل و نخل یاسمی

۵- سفر تثبیه که در آن تکرار شرایع بنحو اختصار شده ۴۷ .

قرن‌ها یهود و مسیحیان عقیده داشتند که این پنج کتاب از آن موسی بوده ولسی حدود دو قرن پیش‌تر از مذاقه و تحقیقات دانشمندان روشن شد که این کتابها نه تنها از خود موسی (ع) نیست بلکه مدتها بعد از وی تدوین شده (رجوع کنید بقاموس کتاب مقدس ص ۲۲۶ و کتاب الشخصیه‌الاسرائیلیه ص ۲۹) این کار ابتدا از طرف چندتن از ربانیون یهود شروع شد تا این که در اواخر قرن ۱۵ م. اندریاس کاریست که به مذهب پروتستت گرویده بود، بر نقد تورات همت گماشت و در سال ۱۵۲۰ م. کتابی بنام (اسفار قانونی) در انتقاد تورات تألیف کرد و جمع‌زیدی از روحانیون یهود با او هم‌آهنگ شدند سپس (اسپینوزا) فیلسوف معروف که خود یهودی بود کتابی بنام اباحت لاهوتی سیاسی در نقد تورات نگاشت و بالاخره دانشمندان متأخر طی تحقیقاتی بدست آوردند که تورات تألیف شخص واحدی نیست و اسفار قانونی آن درازمنه مختلفی نوشته شده و همانند وداها (کتاب مقدس هندوان) و نسکهای اوستا (کتاب زردشتی‌ها) در زمانهای متأخر از صاحب شریعت (موسی) نوشته شده مثلا سفر خروج در قرن نهم و سفر تثبیه در قرن هشتم و هفتم قبل از میلاد و سفر اعداد در حدود قرن ششم ق.م نوشته شده با این همه

۴۷- سفر تکوین شامل ۵۰ باب، سفر خروج ۲۴ باب، سفر لاویان ۲۷ باب، سفر اعداد ۳۶ باب و سفر تثبیه ۲۴ باب است .

اسامی سایر کتابهای مقدس (عهد قدیم) از این قرار است :

سفر پیدایش (تکوین)	اول پادشاهان	غزل غزلهای سلیمان	میکاه
سفر خروج	دوم پادشاهان	اشعیا	ناحوم
سفر لاویان	اول تواریخ	ارمیا	حبقوق
سفر اعداد	دوم تواریخ	مراثی ارمیا	صفیناء
سفر تثبیه	عزرا	حزقیال	حجی
صحیفه یوشع	نحمیا	دانیال	زکریاء
سفر داوران	استر	هوشع دانیال	ملاکی
کتاب روت	ایوب	بوئیل	
اول شمویل	عزرا میر	عاموس	
دوم شمویل	امثال سلیمان	عوبدیا	
	کتاب جامعه	یونس	

اهل کتاب در قرن حاضر سه تورات دارند که هر یک نزد فرقه‌ای از آنان تورات حقیقی شمرده می‌شود. جمعی تورات یونانی را که معروف به ترجمهٔ سبعینی^{۴۸} است و بقول ابوالفداء صحیح‌ترین تورات است رسمی می‌دانند و گروهی تورات عبری را و عده‌ای تورات سامری. و بین هر یک از این سه تورات یادگیری در موارد کثیری اختلاف موجود است.^{۴۹}

برای نمونه می‌توانید قسمتی از اختلافات زبور در تاریخ ابوالفداء موسوم به (المختصر فی اخبار البشر) ج ۱ ص ۴-۶ ملاحظه فرمائید.

توضیح این که اولین نسخه‌ای که از تورات نوشته شد نسخهٔ مسوریه است که تورات عبرانی از آن استنساخ شده^{۵۰}.

نسخه مسوریه را جمعی از یهودیان طبریه و سوره که در وادی فرات واقع است از قرن ۶ تا قرن ۱۲ م. جمع و درج نمودند و معالین آن جماعت تفسیری که آن را مسوره (تقلید) گویند بدان افزودند. زبان عبرانی تا این زمان بدون حرکت و اعراب نوشته می‌شد لهذا هیئت نامبرده اختراع حرکات نموده الفاظ را با حرکات نوشتند^{۵۱}. مسوریان

۴۸- چون ۷۰ یا ۷۲ نفر از اخبار یهود متکفل این ترجمه بوده‌اند. (تاریخ ابوالفداء ص ۵) در بیان الادیان ص ۱۴ از تورات الثمانین (که توسط هشتاد تن از اخبار و رهبان و بدستور ملکی از ملکان یهودان گردآوری شده است) می‌نویسد.

۴۹- فرید وجدی کتب مقدس یهود را بچهار دسته تقسیم میکند: مرتبه نخست - اسفار خمه مرتبه دوم - چهار کتاب که باسفار نخستین نامیده میشود بدین شرح: اول کتاب یوشع. دوم سفر حکام که شامل اخبار قضات بنی اسرائیل است. سوم کتاب شمویل مشتمل بر نبوت وی و سلطنت طالوت و داوود چهارم سفر ملوک شامل سلطنت سلیمان تا آمدن بختنصر و خرابی بیت المقدس.

مرتبه سوم - چهار کتاب مشهور باسفار اخیر. بدین شرح: کتاب شعیا. کتاب ارمیا. کتاب حزقیال، اسفار دوازده گانه مرتبه چهارم - یازده سفر که معمولاً بان نام کتب داده‌اند که از آن جمله است مزامیر داوود و امثال سلیمان و کتاب دانیال و عزیر و غیره (دائرة المعارف قرن عشرین ۱۰/۵۷۳) ولی در قاموس کتاب مقدس (ص ۷۲۰) مینویسد: قوم یهود کتب خود را سه قسمت نموده‌اند اولاً شریعت یعنی پنج سفر مزیسی. ثانیاً: انبیاء، ثالثاً: اسفار مقدسه نیز مزامیر و امثال و ایوب و سرود و روت و مناجات و استر و دانیال و عزراء و نحییا، او ۲ تاریخ ایام.

۵۰- قاموس کتاب مقدس ص ۷۱۹.

۵۱- در ص ۷۱۸ قاموس کتاب المقدس آمده: اولین کتاب عهد عتیق که بعبرانی وضع شده در سال

نسخه‌هایی را که بانسخه خودشان مطابق نبود رد نموده حفظ آنها را حرام دانستند . بدین واسطه نسخه قدیم عبرانی که مقدم‌تر بر قرن دهم میلادی باشد نتوان یافت (قاموس کتاب مقدس) .

قبل از این نسخه ترجمه کلدانی تورات معمول بوده زیرا هنگامی که بیشتر قوم یهود باسیری به بابل و آشور برده شدند ناچار لغت کلدانی را در عوض لغت خودشان بکار بردند و از این رو بعضی اسفار را بدان لغت ترجمه نموده و آن را ترگوم نامیدند^{۵۲} ولی تمام کتاب مقدس به کلدانی ترجمه نشده .

سومین نسخه همان ترجمه یونانی است که هیئت از یهود تحت نظر بطلمیوس فیلادلف در سال ۲۸۵ ق.م در اسکندریه بترجمه آن شروع نمودند و چون این هیئت مرکب از ۷۰ (و بقول ابوالفداء ۷۲) تن از احبار بودند این ترجمه را تورات سبعینی نامیدند . در این ترجمه بعضی کتب جعلیه که به (ابو کریفا) معروف است نیز ملحق شده این ترجمه در واقع نقل به معنی است .

ترجمه دیگری از عبرانی بسریانی شده که آن را (پشیطو) یعنی بسیط نامیده‌اند زیرا این ترجمه تحت الفظی بوده و در آخر قرن دوم میلادی انجام شده و ظاهراً بعد از ترجمه سبعینی اولین ترجمه از عبری است (قاموس کتاب مقدس ص ۷۲۱) .

از این پس ترجمه‌هایی در ازمنه متاخره بزبانهای حبشی و عربی و قبطی و لاتینی شده که اغلب از ترجمه یونانی بزبانهای مزبور گردانیده شده است (رجوع کنید به قاموس کتاب مقدس ص ۷۲۲) .

ظاهراً ترجمه‌های موجود از روی ترجمه لاتینی است که آن را بنام ولگیت نامیده‌اند و در ۳۸۰-۴۰۵ م. بتوسط جیروم انجام شده و در سال ۱۵۶۳ م. مجمع ترنت آن را مانند نسخه اصل دانسته حکم به قبول آن نمود (قاموس کتاب مقدس)^{۵۳} .

۱۴۸۸ م بوده .

۵۲- نحیما ۸ : ۸ .

۵۳- از تورات عربی نسخه خطی بسیار کهن موجود نیست . قدیمترین نسخ آن که در دست است در قرن چهارم هجری نوشته شده است . ولی از ترجمه یونانی و لاتین آن نسخه‌های قدیمتر موجود است (ملل و نحل یاسمی ص ۹۰) .

باید دانست که ترجمه‌های موجود اروپائی و عربی از قرن ۱۵ به بعد صورت گرفته. مطالبی که اشاره بآن متناسب است این که تبویب و تقسیم کتاب مقدس به ابواب و فصول درازمنه متأخر از تألیف صورت پذیرفته^{۵۴}.

این کار برای سهولت قرائت بتوسط حاخامها انجام شد که مثلاً تورات را به ۵۴ فصل حسب تعداد هفته‌ها (باسبتها = شنبه‌های) سال تقسیم نمودند و همچنین اناجیل ابتدا در سال ۲۲۰ م. به توسط امونیوس اسکندریه‌ای به ابواب کوتاه تقسیم و از آن زمان بقیه کتب عهد جدید تا اواخر قرن پنجم میلادی متدرجاً بفصول و آیات تقسیم گردید و تقسیم فعلی که در دست است بتوسط کاردینال هوگو متوفای ۱۲۶۳ م. انجام شده (قاموس کتاب مقدس).

تفسیرهای کتب مقدس

مذهب یهود بر سه پایه استوار است: شریعت (تورات) . تکرار شریعت (میشنا) . تحصیل شریعت (گمارا)^{۵۵}.

تورات که اصلاً بزبان عبری نازل شده بود حاوی کلیه تعلیمات دینی و اخلاقی آئین یهود است و حتی در آن آمده که يك حرف از آن را نگاهند و بر آن نیفزایند ولی در طی زمانی که تورات جمع آوری و مدون می شد تحولاتی در زندگی امت موسی رخ داد که این دستور حتی از ناحیه خود یهود عمای نگردید بلکه طی همین تحولات حتی خود تورات از بین رفت و پس از مدتها از سینه اجبار دوباره تدوین شد روی همین اصل و نیز از نظر بعد زمان نزول، احتیاج شدیدی به تفسیر و توضیح احکام شریعت پدید آمد. این تفسیرها که بتدریج و بوسیله جمعی تهیه و تدوین گردید بنام تلمود نامیده شد. توضیح این که جمعی از حاخام‌های یهود نصوص تورات را با تفاسیر و شروح لازمه طی مدتها درشش جلد^{۵۶} گردآوری نموده میشنا یعنی (المثنی) یا تکرار نامیدند.

۵۴- ص ۷۲۱ قاموس کتاب المقدس .

۵۵- حکمت ادیان

۵۶- شامل ۱۴ هزار فقره قوانین و فتاوی دینی یهود است که در قرن دوم تنظیم شده اجزاء

مزبور مربوط است به : ۱- اعیاد و ایام مقدسه ۲- نمازها و اوراد . . . (تاریخ ادیان ص ۲۵۳)

این کتاب مانند اصل تورات بزبان عبری تنظیم گردید ولی چون بیشتر یهود در این هنگام بلفت آرامی که زبان ادبی عبری است تکلم می‌کرد ترجمه و تفسیر کتاب مزبور درتالیفی بنام (گمارا) که درلفت آرامی به معنی مطالعه شریعت^{۵۷} است تدوین گردید^{۵۸}. یهود بتفاسیر مزبور اکتفا ننموده و دامنه تشریح و تحقیق را ادامه دادند نتیجه این تحقیقات و تفاسیرها که ضمیمه میشنا و گمارا گردید و تفسیر دیگر که تلمود (تعلیم) نام دارد بوجود آورد یکی تلمود بابلی که بتوسط حاخام‌های بابل در قرن پنجم تنظیم گردید و دیگری تلمود فلسطینی که در ناحیه طبریه و جایل فیما بین سده سوم و پنجم تدوین شد (قاموس کتاب مقدس ص ۲۶۴، نیز رجوع کنید بمقدمه گنجینه تلمود).

تفاسیر دیگری نیز بوجود آمد که مهمتر از همه آنها (میدراش راباه) نام دارد و پس از گمارا جای داده می‌شود.

این کتب عموماً شامل دو قسمت است یکی مخصوص روحانیون (ربانیون و حاخام‌ها) و دیگری برای تعلیم و ارشاد عوام. قسمت اول علمی‌تر و خالی از تشبیهات و ذکر حکایات است به عکس قسمت دوم که در آن برای روشن ساختن مطلب در ذهن عوام به تمثیلات و تشبیهات توسل جسته‌اند^{۵۹}. یکی از مدرسین بنام ایژوپ چند صد افسانه خلق کرده و عقل و عمل روباهی را در اجرای اعمال شریعت شاهد آورده (چنان که در کتاب کیله و دمنه مطالب اخلاقی بزبان دوروباه بیان شده) و می‌دانیم که برای تنزل مطالب دینی این حکایات نقش مهمی را عهده‌دار است.

چنان که یاد شد تلمود فلسطینی در مابین قرن سوم و پنجم نوشته شده^{۶۰} ولی تلمود بابلی در اواخر قرن پنجم میلادی، ضمن شش قسمت در ۶۳ جلد^{۶۱} پایان یافت و یهود طی

۵۷- در قاموس کتاب المقدس: به معنی تعلیم گرفته ص ۲۶۲

۵۸- تفسیر مزبور در شهر بابل که در آن هنگام حدود یک میلیون یهود در آنجا ساکن بود به توسط

حاخام‌ها تدوین گردید تاریخ ادیان حکمت ص ۱۵۴.

۵۹- حکمت ادیان ص ۱۴۱.

۶۰- قاموس کتاب المقدس.

۶۱- تاریخ ادیان. ولی در حکمت ادیان تلمود را در ۴ مجلد ذکر می‌کند. ممکن است تلمود

فلسطینی در ۴ جلد و بابلی در ۶۳ جلد بوده باشد.

تفرق در بلاد همچنان در حفظ این کتاب کوشیده و آنرا مانند تورات حفظ نموده و به تعلیم و تعلم آن اهتمام می‌ورزند .

این کتاب اخیراً به انگلیسی ترجمه و انتشار یافته^{۶۲} . و خلاصه آن بفارسی توسط دکتر کهن ترجمه و بنام گنجینه تلمود چاپ شده است .

فرق یهود

یهود به فرقی منشعب گردیدند که شهرستانی در مال و نحل و بتبع وی فرید و جدی در دائرة المعارف نام فرق ذیل را می‌برند :

- ۱- عنانیه یا عنانیه اصحاب عنان یا عنان بن داوود^{۶۳} .
 - ۲- عیسویه تابعین ابی عیسی اسحق بن یعقوب اصفهانی که در زمان منصور پدید گشته و به جنگهایی نیز پرداخت .
 - ۳- یوزعانیه منسوب به مردی همدانی مشهور به یوزعان و معروف به زها و عبادت .
 - ۴- سامره که در واحی بیت المقدس و مصر سکونت داشتند .
- درباره گروه اول (عنانیه) می‌نویسد این قوم در اعیاد و سبت با دیگر یهود اختلاف داشته و حیوانات را از پشت گردنشان ذبح می‌نمودند و عیسی (ع) را از یهود و متدین و مجری احکام تورات می‌دانند ولی برای وی نبوت و کتابی قائل نیستند و اناجیل اربعه را شرح حال و تاریخی از عیسی پیش نمی‌دانند^{۶۴} . مابعداً درباره این قوم تحت عنوان (قراؤون) سخن خواهیم گفت .

اما درباره عقاید دسته دوم (عیسوییه) می‌نویسد که رئیس این قوم (ابوعیسی) خود را یکی از فرستادگان پنجگانه مسیح (که به عقیده او می‌بایست آنان قبل از حضرتش ظاهر شوند) می‌دانست وی مدعی وحی از جانب خداوند بود و کشتن حیوانات و خوردن جانداران را جایز نمی‌دانست برای تابعین ده نماز و وظیفه

۶۲- حکمت ، تاریخ ادیان ص ۱۵۶ .

۶۳- مردی بوده است از آل داوود علیه السلام او را عنانی زاهد گفتندی (بیان الادیان ص ۱۲) .
در تاریخ ابوالفداء می‌نویسد و کان راس الجالوت و راس الجالوت هواسم للحاکم علی الیهود بعد خراب بیت المقدس ، الخراب الثانی (المختصر ص ۸۸) .

۶۴- نیز رجوع کنید بتاریخ ابوالفداء و تاریخ دواقلیت مذهبی نوایران ص ۱۹ .

قرارداده و خلاصه در کثیری از احکام با سایر یهود مخالفت داشت .

اما فرقه سوم (یوذهانیه) که بنوشته تاریخ دو اقلیت بنام مقاربه نیز موسوم اند به پیروی از یوذهان از خوردن گوشت و مشروبات امتناع می ورزیدند و برای توراۃ باطنی قائل بود که طبق آن با اقوام دیگر مخالفت داشت .

از فرقه مزبور جمعی بنام (موشکانیه) منشعب گردیده و این جمع ، جنگ کردن با مخالفین خود را واجب می شمردند^{۶۵} و جمعی از این قوم حتی به نبوت حضرت رسول قائل بودند منتهی نبوت آن حضرت را خاص اقوام غیر یهودی می دانستند .

اما سامره که ظاهراً اکثریت مات یهود را تشکیل می دادند^{۶۶} بغیر از موسی و هارون و یوشع و یکتن که بعد خواهد آمد دیگر انبیاء را پیغمبر نمی دانستند . قباۃ سامره کوه غریم بین بیت المقدس و نابلس است (دائرة المعارف وجدی) .

این فرقه نیز بدو دسته منشعب گردید : فرقه دوستانیه و کرسانیه یا (کوسانیه) که فرقه اول قائل بثواب و عقاب و آخرت بودند و فرقه دوم منکر معاد (تاریخ ابی الفداء ج ۱ ص ۸۸) .

در اناجیل فرقی از یهود را نام می برد که از آن جمله فریسیان و صدوقیان اند . و این دو فرقه هنگام ظهور عیسی وجود داشته و با وی به مخالفت برخاسته اند^{۶۷} .

صدوقیان و فریسان :

صدوقیان که (در اعلام الحاقی المنجد بتشدید دال و یاء ضبط نموده) جنبه اشرافیت داشتند و در میان یهود به منزله معتزله در میان مسامین بودند یعنی مسطورات اسفار تورات را تا آنجا معتقد بودند که مخالفت با عقل و منطق نداشته باشد در قاموس کتاب المقدس وجه تسمیه این قوم را بدین نام چنین می نویسد :

۶۵- موشکان ضمن جنگی که با مخالفین خویش نمود در نواحی قم کشته شد (دائرة المعارف فرید

وجدی ۱۰/ ۵۷۱) .

۶۶- این فرقه در بیت المقدس و بعض نواحی مصر ساکن اند (دائرة المعارف وجدی ۱۰/ ۵۷۲) .

۶۷- بظن نوی این دو فرقه همان دوستانیه و کرسانیه اند که از شعب سامره میباشند . چه ترجمه

صدوقیه بفارسی همان دوستانیه است بعلاوه که در عقاید نیز مانند هم اند.

ارای محکم این که ایشان از صادق کاهن منشعب شده متدرجاً باین نام شهرت یافتند و خود صادق رئیس کهنه بوده که سایمان وی را بدین سمت منصوب داشت^{۷۰}.

تعلیمات این دسته دارای چهار ماده بوده :

اول - انکار تفاسیری که بتوسط حاخام‌ها نقل می‌شد و همچنین احکامی که از صاحب شریعت روایت می‌گردید و در خود تورات موجود نبود .

دوم - انکار کتب عهد عتیق غیر از اسفار خمسسه .

سوم - انکار معاد که لازمه آن انکار ثواب و عقاب و بقاء ارواح باشد .

چهارم - اعتقاد بآزادی و مختاریت مطلقه و عبارت آخری تفویض نامه از برای بشر و در این عقیده نیز بعینه مانند معتزله در میان مسلمین بشمار می‌روند .

اما فریسیان^{۷۱} فرقه دیگری از یهودند که مانند فرقه حنابله و ظاهریه^{۷۲} در اسلام بظواهر، بسیار اهمیت داده و به عکس صدوقیان هیچگونه تأویلی در ظواهر کتاب المقدس روا نمی‌دارند در عبادات قشری بوده و بیشتر بظواهر می‌پرداختند تا به حقایق مثلاً (همواره از طور و طوف فتیله‌ای که از برای چراغ سبت می‌بایست سوخته شود گفتگو می‌نمودند و یا مباحثه و مشاجره می‌داشتند که آیا خوردن تخمی را که مرغ در روز سنبه گذارده جایز است یا نه؟^{۷۳} .

بین این فرقه با صدوقیان طی سالیان بیشماری کشمکشها و کشتارها برقرار بود

۶۸- آقای حکمت در نه گفتار (ج ۲ ص ۹۶ پاورقی ۳) می‌نویسد: بعضی دیگر برآنند که اسم صدوقی از کلمه زندک یا زندیق مشتق شده، زیرا این جماعت را فریسیال زندیق می‌دانستند .

۶۹- فریسی بمعنی غرلت گزین است .

۷۰- این دو فرقه جای خود را به اشاعره دادند .

۷۱- قاموس کتاب المقدس ص ۶۵۳ . در گنجینه تلمود ص ۱۰ می‌نویسد: فریسیال آئین‌های بسیاری را که در طی نسلها از پدران خود وارث برده‌اند و در کتاب تورات موسی بظاهر ذکری از آنها نشده است بمردم تعلیم می‌دهند . ولی صدوقیان آنها را رد میکنند و می‌گویند: ما باید به آن سلسله از آئین‌ها احترام گذاریم و آنها را واجب الاجراء بدانیم که در تورات مکتوب وجود دارد . و نباید آنچه از روایتها و سنتهای اجدادی ما سرچشمه گرفته است رعایت کنیم . . .

که بالنتیجه منجر به ضعف هر دو فرقه و غلبه رومیان بر فلسطین گشت.^{۷۲} و بالاخره در قرن دوم میلادی فاسطین بکلی از یهود تخریب شد و قوم یهود که در بلاد متفرق شده بودند همه ساله روز دهم ماه آب به یادبود ویرانی معبد اورشلیم و آوارگی خود عزا گرفته و به حسرت ایام عظمت و استقلال خود اشک تحسرمی ریختند. فرقه صدوقی پس از تفرق یهود از بین رفت ولی فریسیان باقی مانده و حاخام‌های این فرقه (چنان که دیدیم) به نوشتن تلمود همت گماشتند.

قرائیم «قراون»: دیگر از فرق یهود که در قرون وسطی پدیدار گشت فرقه قاریان (قرائیم) است که بقول ابی الفداء چون مشبهه‌اند و مجبره (المختصر ص ۸۸ - تاریخ دو اقلیت مذهبی ص ۲۰) و قبلا گفتیم که بعضی آنان را عنانیه نوشته‌اند این مذهب توسط شخصی بنام (عنان بن داوود بغدادی ۷۶۷ م) تأسیس گردید این شخص از احبار یهود است که تحت تأثیر متکلمین ظاهری اسلام واقع شده و عقیده داشت که در مادی دین نباید از حدود تورات تجاوز کرد بنابراین تلمود و تفاسیر حاخام‌ها در نظروى ارزش نداشته و مطرود بود پیروان وی در اسپانیا منتشر شده و زیاد شدند.

در فرقه اخیر شخصی بنام سعدیان یوسف^{۷۳} پدید گشت که رنگ و روئی به مذهب مزبور داد وی رسم افروختن شمع را در شب و روز شنبه از بین برد و خریدن گوشت حیوانات را حرام دانست. سعدیا اول کسی است که کتب عهد عتیق را به عربی ترجمه

۷۲- در سال ۶۳ ق م (پیشی) سردار رومی با لشکری جرار به فلسطین حمله کرد و آن کشور را فتح و دست نشانده مملکت روم قرار داد و از آن پس یهود فلسطین چندین بار دستخوش قتل و اسیری رومیان گردیدند.

۷۳- سعدیا یا سعیدقیومی (۹۴۲ - ۸۸۲ م) از یهودیان عراق است که در فیوم مصر درگذشت. سعدیا کتب مقدسه را به عربی ترجمه کرد (نه گفتار ۱۰۵/۲) وی مؤسس مبادی ایزونیالیزم (عقلانی است و مانند معتزله معتقد بود که مبادی دین را بایست با عقل منطبق ساخت) از اینرو ویرا بدر فلسفه در قرون وسطی لقب دادند پیروان وی از عراق به اندلس روی آوردند و در اسپانیا مدرسه‌ای تشکیل دادند. از تالیفات وی نخستین دستور زبان عبری و نخستین لغتنامه عبری به عربی است (دائرة المعارف مصاحب).

کرد تا برای یهود فهم آن آسانتر شود. بعداً در فرقه قاریان تشعبات عدیده‌ای پدید گردید ولی کم کم رو به اضمحلال رفته و جزعه قلیلی در خالکروسیه بکلی نابود گشتند. میمونیه: موسی بن میمون از شاگردان مکتب یهودی قرطبه است (۱۱۳۵-۱۲۰۴ میلادی) وی طبیب مخصوص صلاح‌الدین ایوبی است که در مصر سکونت گزید و بر کتاب میشنا شرحی نوشت وی کتابی بنام دلالة الجایرین به منظور تطبیق دیانت یهود و اسلام و نیز با فلسفه ارسطو نگاشت. پیروان وی را میمونیه می‌نامند.

طریقه کابالیسم: این فرقه از قرن دهم میلادی به بعد پدید گردید این دسته معتقد بودند که برای کلمات و حروف الفبای معینی است که هر عدد را رمزی حاصل می‌باشد و برای بدست آوردن رموز کلمات حساب جمعی (ابجد)^{۷۴} را وضع نمودند و دامنه این کار بوضع کلمات و نقوش و استخراج مطالب عجیبه‌ای کشید حتی موضوع الوهیت و صدور مخلوق از خانی و غیره را با همین میزان پاسخ می‌دادند^{۷۵}.

سپس عقاید این فرقه در میان مسلمانین نیز تأثیراتی نمود و علوم غریبه از آنجا سرچشمه گرفت و اخیراً فرقه نقطویه و حروفیه از آنها پدید گردید.

طریقه رفورمیست: پس از رنسانس و تحول فکری اروپا در قرن هیجدهم و نوزدهم وضع یهودیان اروپائی نیز فرق کرد خاصه پس از سال ۱۸۴۸ که به یهود آزادی تامه داده شد. زیرا اولاً تعصبات علیه آنان و ثانیاً جمود عقیده در میان خودشان کم شد و دانشمندان بزرگی که به علوم عصری آشنائی داشتند در بین این قوم پدید آمد که از آن جمله (مندلسهین) آلمانی است که اسفار خمسه را بزبان فصیح آلمانی ترجمه و تفسیر کرد کم کم يك فرقه اصلاحی در میان عامای کنیسه بوجود آمد که اولاً رسوم کنشت‌ها را با زمان تطبیق داد مثلاً ترجمه دعاها را بزبانهای محلی جایز دانسته رواج داد. ثانیاً بعضی عقاید از قبیل رجعت و ظهور مسیح را تأویل نموده و برای آنها توجیحات معنوی قائل گردید. بعداً این فرقه بنام رفورمیست معروف شدند.

۷۴- الفباء بترتیب حروف ابجد، هوز، حطی، کلمن، سغض، قرشت، ازیک تا ده شماره گذاری شده و از آن به بعد ده و سپس صد صد شماره‌ها دنبال می‌شود.

۷۵- بعضی احتمال داده‌اند که این مذهب از ژورژوس فیلسوف یهودی (۲۰۰-۲۵۰ ق م) بوجود آمده.

دیگر از فرق یهود که (صاحب بیان الادیان ص ۱۴) نام می برد فرقه (راعیه) اند که بقول وی رئیس آنان دعویهای عظیم کرد^{۷۶}.

دیگر فرقه دیصانیه اند که منسوب باین دیصان هستند. وی از اخبار یهود است که قائل بدین بود (نور و ظلمت) شده و ۴۸۱ سال بعد از اسکندر مقدونی ظاهر گردید^{۷۷}. در تبصرة العوام (ص ۲۲ چاپ اقبال آشتیانی) می نویسد: بدان که یهود بعد از موسی و هارون صلوات الله علیهما هفتاد و یک فرقه شدند و هر فرقه آن دیگر را ضال و گمراه دانند و آنچه در زمان ما در بلاد عجمند دو فرقه ظاهر ترند یکی را قرآن خوانند و یکی را ربانان و ربانان بعدل گویند و کفر و فواحش و ظلم بر خدای نبیندند ... موافق مذهب عدل. و قرآن مشبهی باشند و گویند او بر عرش است و سر و دست و پای و جمله اعضاء دارد و رود و آید چنان که مشبهه اهل اسلام گویند ... و گویند او را بتوان دید چنان که مجبره گویند^{۷۸}.

تبصرة: سخن صاحب تبصرة العوام (که یهود هفتاد و یک فرقه شدند) مضمون حدیثی است که ابوداود سجستانی و ترمذی و ابن ماجه و حاکم نیشابوری و ابن حبان از ابوهریره نقل نموده اند: افترت اليهود علی احدى اوائین و سبین فرقه و النصارى كذلك و تفرق امتی علی ثلاث و سبعین فرقه (کشف الخفا ج ۱ ص ۱۶۹ و ص ۳۶۹) نیز رجوع کنید به آغاز ملل و نحل شهرستانی و شرح مقاصد تفتازانی.

دنباله این حدیث در بعض اسناد آن جمله ای است که از کلیه فرق اسلامی یکی را ناجی و بقیه را هالك شمرد و در پاره ای دیگر بعکس، هفتاد و دو فرقه را ناجی و یک فرقه را که زنادقه باشند هالك دانسته. و بهمین جهت صاحب کتاب کشف الخفاء ناچار شده است چنین توجیه کند که بقیه فرق مالا و پسر از گذشتن عقبات اخروی اهل نجات اند.

اعیاد یهود:

نزد یهودیان روزهایی که نمایانگر نزول رحمت یا نجات از سختیها است محترم

۷۶ متاسفانه وی جز همین جمله چیز دیگری راجع باذن نمی نویسد.

۷۷- ابی الفداء ص ۲۲۸. تاریخ دواقلیت ص ۱۹. دائره المعارف مصاحب ص ۱۰۲۴.

۷۸- در تاریخ ابی الفداء ص ۸۸ نیز آمده: والقراون کالمجبره والمشبهه فینا.

و مبارك است که بشادی می گذرانند و مراسمی نیز اجراء می کنند ، که اهم آنها به قرار ذیل است :

- ۱- عید فصیح یا عید فطیر : یادآور روز آزادی بنی اسرائیل در مصر و هنگام حرکت بسوی ارض موعود است (سفر خروج ۱۲/۳۴) که به مدت يك هفته برگزار می شود و چون در این عید از فطیر استفاده می کنند بنام عید فطیر نیز شهرت یافته است. زیرا بعقیده یهود هنگامی که از مصر خارج شدند آردهارا خمیرنموده ولی فرصت برای رسیدن خمیرنماند لذا از فطیر استفاده نمودند. این عید در پانزدهم ماه نیشان است.^{۷۹}
- ۲- عید شابعوت : (ماخوذ از شابعوع مرادف اسبوع عربی) که به مناسبت سالروز نزول احکام عشره در طور سینا برگزار می شود. این عید در ۱۶ حزیران واقع است.^{۸۰}
- ۳- عید رس حشاتا : مصادف با اول سال یهود یعنی آغاز تشرین اول^{۸۱} (که مطابق شهریور ماه خورشیدی است) بیادقیامت مراسمی برپا می کنند .
- ۴- عید کیپور : (دردهم تشرین) که به کفاره گناهان روزه پیوسته «صوم وصال» می گیرند .

۵- عید سایبانها «مظله» : که پنج روز بعد از عید کیپور برقرار می شود و بیادگار سایبانهائی است که در بادیه از شاخه درختان خرما برپا داشته اند^{۸۲} . این عید در ایام سال منطبق می شود با فضل پائیز (مهر و آبان) که هنگام چیدن میوه ها وانگور میباشد. عید سایبانها مخصوص تذکار روزگاری است که در تیه سرگردان بوده اند . اکنون در این روز در کنیسه های خود انواع میوه جات و گلها مخصوصاً لیمو و خوشه های خرما را می آویزند در روز آخر این جشن نیز مراسمی بعمل می آورند و تومارهای تورات را در صندوقی نهاده در اطراف کنیسه میگردانند .

۶- عید بزرگ (یا خنوخ کا) : این عید بعدها بوجود آمده و آن سالگرد قیام یهود علیه اپینان آنطیوخوس پادشاه سلوکیدی^{۸۳} و تجدید استقلال ایشان می باشد و منطبق است با کانون اول رومی (آذرماه) در آن روز چراغها می افروز بدین ترتیب که شب اول

۷۹ و ۸۰ و ۸۱ - تاریخ یعقوبی ۵۱/۱ .

۸۲- یعقوبی اعیاد یهود را فقط سه عید نخست و همین عید مظله میدانند (رک تاریخ یعقوبی ۵۱/۱)

۸۳- سلطان یونانی ششم دوسالهای (۱۶۲ - ۱۷۵ ق ۱۶) .

۱- شمع شب دوم ۲- شمع و شب سوم ۳- شمع تا شب هشتم که هشت شمع برافروخته و در آن از یهودای مکابی که در سال ۱۶۵ ق.م یونانیان را شکسته و معبدها را از نو مرمت کرده یاد می‌کند.

۷- عید پوریم یا جشن قرعه‌ها: که سروکار با تاریخ ایران دارد و تفضیل آن در کتاب استر مستطور است. در آن روز یهود از آزار و رحمت ماهان وزیر پادشاه هخامنشی (ارتاکشورسپس) خلاصی یافتند. در این عید هدایا و تحف به یکدیگر تقدیم می‌کنند و به عیش و سرور و رقص و نشاط می‌پردازند.

بملاوه یهود چند عید عمومی دارند که معتقدند آنها را حضرت موسی تعیین نموده نخست: (سبت) روز شنبه مانند جمعه که عید مسلمانان است. دوم: عید سرماه. سوم: عید سال هفتم و سال یوبیل.

نیز عیدهای فصیح و پنجام و عید هفته‌ها و عید سایبانها را از طرف شارع دین یعنی موسی می‌دانند.^{۸۴}

کنیسه‌ها و فرآورده‌های آن «تلمود و میشنا و گمارا»

در میان دانشمندان، درباره این عقیده که کنیسه‌ها در زمان اسارت در بابل تأسیس یافته‌اند توافق عمومی وجود دارد (گنجینه تلمود ص ۵).

کنیسه یا کنشت (که در یونانی بمعنی مجلس است)^{۸۵} محل گرد آمدن يك مملت دور از وطن بوده و در این اجتماعات، نوشته‌های کتاب مقدس را می‌خواندند و تفسیر می‌کردند. با گذشت زمان خواندن نماز نیز در آن معمول گردید و کنیسه بصورت مکانی برای نیایش درآمد (ص ۵ گنجینه تلمود).

این اجتماعات ناگزیر نیاز به مردان دانشمندی داشت که بتوانند وظیفه معلم را انجام دهند و این معلمان را سوفریم (مفرد آن سوفر) یا کاتبان یعنی اهل کتاب و دانش می‌خواندند.^{۸۶} برجسته‌ترین شخصیت این طبقه از معلمان عزراء^{۸۷} بود که با اعاده

۸۴- قاموس کتاب مقدس ص ۶۲۶.

۸۵- قاموس کتاب مقدس

۸۶- در آیه هفتم از باب ۸ کتاب نحیا به عنوان (مردانی که سبب شدند تا مردم و تورات را درک

تورات بعنوان رهنمونی برای زندگانی، نیروی حیاتی بیک عملت مشرف به موت را چه در بابل و چه در یهودا تجدید کرد... وی بسال ۴۵۷ ق.م باورشلیم روان گشت (قاموس کتاب مقدس) در تمجید از توفیق عزرا، علمای یهود چنین گفته اند: (اگر موسی بروی پیش دستی نکرده بود، عزرا شایسته آن بود که تورات به توسط او با اسرائیل عطا گردد)... هنگامی که اسرائیل، تورات را فراموش کرد، عزرا از بابل آمد و آنرا بار دیگر برقرار ساخت (گنجینه تلمود).

تفسیر کردن مطالب کتاب مقدس و نحوه استنتاج و تفسیر آنرا (میدراش) می نامند... بوسیله میدراش از یک جمله کتاب مقدس، خیالی بیش از آن چه که بطور سطحی از آن استنباط می شود، معنی بدست می آید (ص ۷ گنجینه تلمود).

عزرا قرائت اسفار پنجگانه تورات را در اجتماعات مرسوم کرد. تا توده مردم با مطالب آن آشنا شوند. (ایشان کتاب تورات خداوند را با تفسیرش خواندند. و آنرا با عقل و بصیرت معنی کردند. و بدین گونه ایشان خواننده هارا فهمیدند. نحمیا، ۸: ۸. گنجینه تلمود ص ۷).

طبق روایات یهود، عزرا (کنست هگدولا) یا (مجمع کبیر) را تأسیس کرد و آن عبارت از یک شورای دینی متشکل از معلمان و دانشمندان بود. ایشان مجموعه احکام دینی را که از دوران موسی تا روزگار ایشان باقی مانده بود فرا گرفتند... و سپس به پیشروان دانشمندان تلمودی انتقال دادند.

سلسله منابع تلمود و میدراش را بدین گونه وصف کرده اند: (موسی تورات را در کوه سینا دریافت کرد و آنرا به (یوشع) سپرد. یوشع آنرا به پیران قوم داد. پیران قوم آنرا به انبیاء و آنان به اعضای (مجمع کبیر) سپردند (میشنا آووت ۱: ۱، گنجینه تلمود صفحه ۷).

بهر حال چنین بنظر می رسد که مجمع کبیر در اواسط قرن سوم ق.م. و یا در پایان

→

کنند) ذکر شده است (گنجینه تلمود ص ۵).

۸۷- اوکاهن وهادی معروف عبرانیان و کاتب ماهر شریعت و هم شخصی عالم و قادر و امین بود. و چنان مینماید که در بارگاه سلطان ایران درجه و اعتبار تامی داشته و در مدت هشتادسالی که در حکایت سپری شد (قاموس رمان سلطنت کورس... او مذکور است اکثر کتاب مقدس ص ۶۰۹).

آن قرن دیگر وجود نداشته است و جایگزین (مجمع کبیر)، سازمان دیگری بنام سنهدرین شد که وظیفه امور جامعه را در کشور یهودا بدست گرفت (گنجینه ص ۹) .
سرانجام نظریاتی توسط (هیل) ابراز شد .

شاگردش (ربان بوحنان بن زکای) هنگامی که تیتوس معبد بیت المقدس را ویران ساخت بحیاهای خود را از اورشلیم خارج ساخت و در شهر (یونیه) دانشگاه دینی یهود را مستقر ساخت و دین یهود را از انهدام حفظ کرد (ص ۱۳ گنجینه) .

بدین ترتیب علما و احبار یهود تفاسیری بر اجزاء تورات نوشتند که مجموعه آنها را میشنا خوانده اند . تکمیل میشنا توسط (ربی یهودا هناسی) انجام شد که بسال ۲۱۹ یا ۲۲۰ میلادی پس از پنجاه سال ریاست قوم یهود درگذشت .

میشنا به معنی (تکرار کردن) است و به تعلیمات شفاهی که بوسیله تکرار کردن می توان فراگرفت اشاره می کند . در مقابل (میقرا) یعنی قرائت متن کتاب مقدس و از این رو کلمه (میشنا) بر مجموعه احکام شرعی تورات منقول که مستخرج از (اسفار پنجگانه) تورات است دلالت می کند . و این تعلیمات در سراسر مدارس فلسطین و بابل پذیرفته شده است اینک نام تفاسیری که توسط (علمای یهود = ربی ها) نوشته شده و مجموعه تلمود را تشکیل می دهد :

تفسیر سفر خروج موسوم به (مخیلتا = پیمانیه) از ربی یشماعیل .

تفسیر سفر لاویان موسوم به سیفرا توسط (حیا بن ابا) زنده آغاز قرن سوم میلادی
تفسیر سفر اعداد و تثنیه موسوم به (سیفراه) تألیف (ربی عقیوا) که وی را معمار طرح میشنا که یک قرن بعد از او بوجود آمد شمرده اند . که در آغاز قرن سوم میلادی نوشته شده .

میشنای اول تألیف (ربی میئر) شاگرد (ربی عقیوا) مقتول در سال ۱۳۲ که زمینه میشنای موجود توسط (ربی یهودا هناسی) متولد ۱۳۵ میلادی از آن فراهم آمد .
و بالاخره (ربی یهودا هناسی) است که میشنای فعلی را که مجموعه احکام دینی یهود است^{۹۰} تکمیل و مدون ساخت .

۹۰. کلمه (سیفرا) به عربی سفر به معنی کتاب است و خلاصه کلمات (سیفرا و به راو) بمعنی (کتاب

میشنا درشش قسمت تنظیم شده است که آنها را (سداریم) (جمع سدر بمعنی بخش یا قسمت) می خوانند . هر سدر شامل مقداری (مسخت) یا رساله است که جمع کل آنها ۶۳ رساله می شود و هر یک از آنها به فصاها و بندها تقسیم می گردد و جمع کل فصاها به ۵۲۳ می رسد .

اینک خلاصه ترتیب بخشها و موضوع مندرجات (میشنا) به نقل از گنجینه تلمود .

- ۱- سخت (برافوت = برکات) در آداب خواندن ادعیه و نمازها .
- ۲- (پناه = گوشه) شامل قوانین مربوط به کشتزار (سفر لاویان ، ۱۹ : ۹) .
- ۳- (دامای = هشکوک) مربوط به محصولات که پرداخت عشریه آن بکاهنان مشکوک است .

۴- (کیلاهیم = اختلاطها) راجع بکشت بذرهاى مختلف رجفت گیری حیوانات مختلف اجنبی .

۵- (شوبعیت = سال هفتم) درباره سال هفتم که در اسفار خروج و لاویان و تثئیه آمده است .

۶- (تروموت = هدایا) هدایای کشاورزی که ویژه کاهنان است .

۷- (معسروت = عشریه ها) که از محصول زمین باید داد .

۸- (معسر مثنی = عشریه دوم) تفسیر آیاتی از باب ۱۴ سفر تثئیه .

۹- (حلا = گرده نان) که از هر تغار خمیری باید بکاهن داد (اعداد ، ۱۵ : ۲۱) .

۱۰- (عرلا = نامختونی) احکام نهال میوه در ۴ سال اول غرس (لاویان باب ۱۹) .

۱۱- (بیکوریم = نوبرها) که بمعبد بیت المقدس برده می شد (تثئیه باب ۱۶) .

در طی چند قرن بعد از (ربی یهودا هناسی) مدون و مکمل (میشنا) ، تحصیل علم در میان یهودیان غالباً عبارت بود از فرا گرفتن میشنا و شرح و تفسیرهایی که بتدریج گرد مطالب آن جمع شده بود این تفسیرها را بنام (گمارا) یا تکمیل می خوانند . زیرا آنها کامل کننده میشنا محسوب می شود . مفسران گمارا را (امورائیم) بمعنی توضیح دهندگان می خوانند .

→

مدرسه استاد) می باشد و سیفره جمع آن است بمعنی اسفار (گنجینه ای از تلمود)

مدارس آموزش گمارا و تفسیر آن، در شهرهای قیصریه و طبریه در فلسطین و بعضی از شهرهای بابل بوده است.

وبین تفسیر فلسطینی و بابلی تغییرهایی مشهود است.

معظم ترین مفسران فلسطینی (ربی یوحانان بن پناحا) متوفای ۲۷۹ م. و رئیس دارالعلم طبریه است.

چنان که مهمترین دانشمندی که تألیف گمارای بابلی را بعهدہ گرفت و سی سال صرف این کار کرد (راواشه) مونای ۴۲۷ م. است که پس از (رادینا) کار ناتمام او را در ۴۹۹ م. به پایان رسانید.

تفسیرهای این دو مرکز يك گمارای تمام نیست.

تفسیر تلمود فلسطینی درباره ۳۹ رساله و بابلی درباره ۳۷ رساله است ولی گمارای بابلی از لحاظ کمیت هفت تاهشت برابر گمارای فلسطینی است (گنجینه تلمود ۲۲) دوره کامل هر دو تلمود که اکنون در دست است برای اولین بار توسط دانیال بومبرگ در شهر و نیز ایتالیا چاپ و منتشر شد.

تلمود بابلی در سالهای ۳-۱۵۲۰ و تلمود فلسطینی در سالهای ۴-۱۵۲۳ میلادی، در چاپ تلمود بابلی قسمتی از گمارا و تفسیر (راشی) نیز چاپ شده است.

زبان دو تلمود فرق می کند و هر کدام يك لهجه مختلف از زبان آرامی هستند. گمارای فلسطینی به لهجه آرامی غربی نوشته شده و شبیه آرامی کتابهای (عزرا و دانیال) است. گمارای بابلی به لهجه آرامی شرقی است که بیشتر به زبان ماندایی نزدیک است (گنجینه تلمود ص ۲۴).

بطور کلی مطالب تلمود به دو دسته تقسیم می شود: (هلاخا) و (اکادا).

هلاخا به معنی روش و طریقت است که باید در توافق با احکام تورات پیمود لذا شامل تمام میشنا و آن قسمت از گمارا است که به موضوعات شرعی مربوط است. اکادا به معنی روایت است و شامل موضوعات غیر قوانین است که بکمک روایات و داستانها و اشعار و تمثیلات، افکار و خاطرات تاریخی را شرح می دهد و درکنیسه بعنوان وعظ و خطابه ایراد می شده و بآیات تورات استشهاد می گردیده و به مرور زمان این تعالیم گردآوری شده و مورد استفاده مردم قرار گرفت و بنام (میدراش) خوانده شد مهمترین

میدراش ، (میدراش ربا) یا میدراش بزرگ است که بشکل یک نوع گمارای آگادایی درباره اسفار پنجگانه تورات و پنج کتاب مقدس دیگر بحث می کند و مطالب آن بین قرنهای پنجم تا دوازدهم میلادی گردآوری شده (ص ۲۶ گنجینه تلمود) .

بعضی میدراش های دیگر نیز درباره قسمتی از کتب مقدس نوشته شده که برای اصول تعلیماتی تلمود از آنها استفاده شده است .

پیامبران بنی اسرائیل : چهل و هشت پیغمبر مرد و هفت پیغمبر زن برای بنی اسرائیل نبوت کردند و هیچکدام از تورات کم یا زیاد نکردند باستثنای قانون خواندن کتاب استر در شب و روز عید پوریم (گنجینه تلمود نقل از مگیلا ، ۱۴) .

عدد چهل و هشت شامل نیاکان قوم یعنی ابراهیم و اسحق و یعقوب و دیگر شخصیت های برجسته مذکور در کتاب مقدس می شود . از این ۴۸ نفر شانزده تن دارای کتاب بوده اند: یونس ، یوئیل ، عاموس ، هوشع ، اشعیا ، میکاه ، ناحوم ، صفینا ، ارمیاء ، حبقوق ، دانیال ، عوبدیا ، حزقیال ، حجی ، زکریا و ملاکی .

هفت پیغمبر زن عبارت اند از : سارا زوجه ابراهیم ، میریام (مریم) خواهر موسی ، دوورا ، حنا مادر شموئیل ، اوی گایل همسر داود ، حولدا زن شلوم ، استر ملکه خشایارشا (گنجینه تلمود ص ۱۴۱) .

در یک دوره چهار پیغمبر نبوت می کردند که عبارت بودند از : هوشع ، اشعیا ، عاموسی میکاه (تلمود ص ۱۴۲) .

احکام عشره یهود

مهمترین احکام یهود و فرامین موسی که در خود تورات ذکر شده است ده حکم است که با احکام عشره معروف می باشد .

در باب هشتم سفر خروج (پس از شرح خروج یهود از شهر و ورود به سینا و بالاشدن موسی و هرون بر فراز کوه که در ابواب قبلی مشروحاً ذکر شده) احکام عشره و سپس سوانین دیگری را از نزد خداوند (یهوه) بازگو می کند . اینک احکام عشره : (خداوند تکلم فرمود و همه این کلمات را بگفت) .

۱- من هستم یهوه خدای تو که ترا از زمین مصر و از خانه غلامی بیرون آوردم .
ترا خدایان دیگر غیر از من نباشد .

- ۲- صورتی تراشیده و هیچ تمثالی ... برای خود مساز . نزد آنها سجده مکن و آنها را عبادت منما زیرا من که یهوه خدای تومی باشم خدای غیور هستم ...
- ۳- نام یهوه خدای خود را بیاطل مبر زیرا خداوند کسی را که اسم او را بیاطل برد بی گناه نخواهد شمرد .
- ۴- روز سبت را یاد کن تا آنرا تقدیس نمائی . شش روز مشغول باش و همه کارهای خود را بجا آور اما روز هفتمین سبت یهوه خدای تست . در آن هیچ کار مکن تو و پسر و دخترت الخ .
- ۵- پدر و مادر خود را احترام نما تا روزهای تو در زمین که یهوه خدایت بتومی بخشد تراز شود .
- ۶- قتل مکن .
- ۷- زنا مکن .
- ۸- دزدی مکن .
- ۹- بر همسایه خود شهادت دروغ مده .
- ۱۰- به خانه همسایه خود طمع موز و بز و همسایه ات ... و بهیچ چیزی که از آن همسایه تو باشد طمع مکن .
- احکام دیگری که در تورات آمده پس از چند آیه باب بیست و یکم شروع می شود : و این است احکامی که پیش ایشان می گذاری (آیه ۱) .
- اگر غلام عبری می خری شش سال خدمت کند و در هفتمین بی قیمت آزاد رود (آیه ۲) .
- هر که انسانی را بزند و او بمیرد هر آینه کشته شود (۱۳) .
- هر که پدر یا مادر خود را زند هر آینه کشته شود (۱۶) .
- و هر که آدمی را بدزد و او را بفروشد یا در دستش یافت شود هر آینه کشته شود (۱۷) .
- و اگر دو مرد نزاع کنند و یکی دیگری را زند و او نمیرد لیکن بستری شود و سپس بهبودی یابد ... خرج معالجه او را بدهد (۱۸-۲۰) .
- اگر کسی غلام یا کنیز خود را بعضا بزند و او بمیرد هر آینه انتقام از او گرفته شود لیکن اگر دوروز زنده ماند از او انتقام کشیده نشود (۲۱-۲۲) .

و اگر مردم جنگ کنند وزنی حامله را بزنند و اولاد او سقط گردد و ضرری دیگر نشود البته غرامتی بدهد ... و اگر اذیتی دیگر حاصل شود آنگاه جان بعوض جان بنده و چشم بعوض چشم و دندان بعوض دندان و دست بعوض دست و پا بعوض پا و داغ بعوض داغ و زخم بعوض زخم و لطمه بعوض لطمه .

عقاید و احکام یهود

یعقوبی می نویسد : شریعت بنی اسرائیل مبتنی بر توحید خداوند و اقرار به نبوت موسی و هارون می باشد .

روزه یهود در هر سال ۶ روز است که آغاز آن در ابتدای سال است و آنان اول سال را نخستین روز ماه تشرین می دانند .

و چون ده روز از تشرین بگذرد یکروز روزه دارند و آن روزی است که الواح در مرتبه دوم بموسی نازل گردید .

و یکروز هم در دهم کانون دوم روزه می گیرند و آن روزی است که خداوند بنی اسرائیل را از هامن نجات داد .

روز هفدهم ماه تموز رانیز روزه می دارند و آن مصادف با روزی است که موسی از کوه طور فرود آمده .

در ماه آب نیز یکروز صائم اند و آن روز خرابی بیت المقدس است .

سوم تشرین را نیز روزه می گیرند که مصادف با سال روز قتل ندریا پسر اخیقام است^{۸۸} .

یهود سه نماز دارند : صبحگاه و هنگام غروب خورشید و نمازی پس از غروب . هنگام نماز دوپاشنه پارا بهم چسبانیده و دست راست را بر شانه چپ ، و دست چپ را بر شانه راست قرار می دهند . نماز پنج رکوع دارد و فقط در پایان نماز يك سجده می کنند .

در نماز اول از مزامیر داود می خوانند ولی در نماز شامگاه «غروب» از تورات^{۸۹} .

سایر احکام یهود :

سن بلوغ : پسر در پایان سیزده سالگی بسن بلوغ می‌رسد و موظف به اجرای فرامین تورات می‌شود (تلمود ، پاورقی ص ۱۸۱) .

ولی دختر در پایان دوازده سالگی بالغ محسوب می‌شود (تلمود ض ۱۸۰) .
سن ازدواج : برای مردان ، هجده سالگی راسن مناسب جهت زناشویی دانسته‌اند (میشنا آوت ، ۵ : ۲۵) .

هنگامی که هنوز دستت روی گردن پسر است (یعنی در اختیار تست) یعنی از شانزده سالگی تابست و دوسالگی و یا به عقیده دیگر از ۱۸ سالگی تا ۲۴ سالگی برای او زن بگیر (قیدوشین ، ۲۹) .

دختر را هر چه زودتر باید شوهر دهند در سفر لاویان ، ۲۹/۱۹ آمده : دختر خود را بی عصمت مساز و او را بفاحشگی و امدار .

وقتی که دختر بسن دوازده سال و نیم می‌رسد دیگر موقع ازدواج اوست و طبق قانون تلمود ممنوع است که انسان دختر خود را در حالی که هنوز صغیر است شوهر دهد .

اگر شخصی دختر خود را که هنوز خردسال است شوهر دهد دختر می‌تواند هنگام رسیدن بسن دوازده سالگی آن ازدواج را فسخ کند بدون این که احتیاجی بطلاق گرفتن باشد ، ض ۱۸۱ .

مهریه برای ازدواج واجب است و آن را کتوبا گویند ، ص ۸۱۶ .

تلمود مانند کتاب مقدس ، تعدد زوجات را حرام ندانسته ولی آنرا منع کرده است بنقل (یواموت ، ۶۵ الف) .

(مرد می‌تواند با چندین زن ازدواج کند. و این در صورتی است که قدرت تأمین مخارج همگی را داشته باشد) (تلمود ۱۸۴) .

تعداد زنان یک مرد نباید از چهار افزون شود^{۹۱} (بنقل از مأخذ فوق ۶۵ الف) .

۹۱- ولی در کتاب اول پادشاهان فصل ۱۱ می‌نویسد سلیمان هفتصد همسر دائم و سیصد همسر

اگر هنگامی که مرد خواست زوجه دومی برای خود انتخاب کند همسر اولش ادعای طلاق کند شوهر باید او را طلاق گوید (مأخذ فوق).

طلاق حق مرد است (زن بارضایت یا بدون رضایت او طلاق داده می شود. در صورتی که مرد فقط بارضایت خود می تواند همسرش را طلاق گوید) (میشنا یواموت، ۱۴: ۱) گنجینه تلمود ۱۸۵ قانون تلمود اعلام می دارد: زنی که مرتکب زنا محصنه شود شوهرش باید او را طلاق گوید (میشنا کتوبوت، ۳: ۵).

و اگر رفتار زن فضیحت آمیز باشد شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبالغ کتوبا یا مهریه طلاق دهد در بعض موارد دیگر نیز حق مهریه زن باطل می شود مثلاً بدون پوشانیدن سر خورد به میان مردان رود (تلمود ص ۱۸۶) ولی در بعضی موارد نه اسلام فسخ ازدواج را روا دانسته (مانند جنون زن یا مرد) تلمود حرام می داند (میشنا یواموت ۴۱: ۱) ص ۱۸۶ تلمود.

در مورد ناتوانی جنسی شوهر، زن حق دارد بمحکمه شکایت برد و محکمه شوهر را برای طلاق زن تحت فشار قرار می دهد. (۱۸۷ تلمود) همچنین اگر مرد مبتلا به بیماری نفرت انگیزی شود زن حق طلاق گرفتن از او را دارد. در اسلام عیوبی که در مرد سبب می گردد زن بتواند نکاح را فسخ کند عبارت است از: ناتوانی جنسی، جنون.

اگر مردی نذر کند که بازوجه خود آمیزش جنسی نکند فقط تا دو هفته و بقولی یا یک هفته چنین حقی را دارد و اگر در پایان مدت نذر خود را باطل نکند و از هم خوابگی با همسر خویش امتناع ورزد او را مجبور می کنند وی را طلاق گوید^{۹۲}. زن نیز حق چنین نذری را دارد تا بدین وسیله خود را از قید يك ازدواج نامطلوب که مورد رضایت او نیست آزاد سازد ولی مرد حق دارد در این صورت وی را بدون کتوبا (مهریه) طلاق گوید. تلمود ص ۱۸۷.

۹۲- در فقه شیعه نیز آمده که اگر مرد قسم یاد کند (نه نذر زیرا شرط نذر آنست که آن عمل شرعاً رجحان داشته باشد) که با همسرش آمیزش نکند زن حق دارد به حاکم شرع مراجعه نماید و حاکم تا چهار ماه به شوهر مهلت می دهد و پس از انقضای مدت مزبور او را بر رفتن نزد همسرش یا طلاق وی مجبور می کنند.

در موارد زیر شوهر را مجبور می‌کنند که زن خود را مطلقه سازد :

- ۱- در مورد جذام مرد .
- ۲- در ابتلاء به بیماری بواسیر لحمی .
- ۳- در موردی که شوهر به شغل‌های جمع‌آوری فضله‌سگ که در دباغی بکار می‌رود یا دباغی اشتغال داشته باشد .

احکام ذبح :

تلمود با ذکر تمام جزئیات شرح می‌دهد که يك حیوان حلال گوشت را چگونه می‌توان ذبح کرد تا از گوشت آن برای مصرف غذا استفاده می‌شود
اولاً سه طبقه از اشخاص مجاز نیستند حیوانی را ذبح کنند و آنان عبارتند از :
کروال ، دیوانه و ابله و طفل خردسال .
کروال چون نمی‌تواند برکت لازم را هنگام ذبح بخواند .
دیوانه و کودک چون حس مسئولیت ندارند تا این کار را بخوبی انجام دهند .
ثانیاً ذبح باید با کارد تیز انجام شود .
پنج علت سبب مردود شدن ذبح و منع استفاده از آن می‌شود :
تأخیر در انجام ذبح ، فشار وارد کردن عمودی بر گلوئی حیوان ، نوك كرد را در درون گاو حیوان فرو بردن بلکه بالبه تیز باید ذبح انجام شود ، بریدگی نباید غیر از محل مخصوص این کار در گاو ایجاد شود ، بریدگی گلوئی حیوان باید بدون کنده شدن نای یا مری از محل اتصال بحلق صورت گیرد ، تلمود ص ۲۵۸ .

مقررات ارث :

در قانون یهود مقررات خاصی برای توارث موجود است. چه بعضی از خویشاوندان از یکدیگر ارث می‌برند و بعضی فقط ارث می‌برند ولی برای بستگان خود ارث نمی‌گذارند. این کسان از هم ارث می‌برند : پدر نسبت به فرزندان ، فرزندان نسبت به پدر ، برادرانی که از یک پدر هستند نسبت به یکدیگر .
اشخاص ذیل از خویشاوندان خود ارث می‌برند ولی آن خویشاوندان و ارث آنان نمی‌شود :

مرد نسبت به مادرش ، شوهر نسبت به همسرش ، فرزندان خواهر نسبت به دایی خود .

این اشخاص ارث می‌گذارند ولی خود وارث خویشاوندان نمی‌شوند :

زن نسبت به فرزندان ، زوجه نسبت به شوهرش ، دایی نسبت به اولاد خواهرش ، برادران مادری که پدرشان یکی نیست نسبت به یکدیگر .

در ارث هم طبقاتی وجود دارد که با بودن طبقه اول نوبت به طبقه بعدی نمی‌رسد .
مثلا اگر مردی بمیرد و پسری داشته باشد بدخترش چیزی نمی‌رسد ولی در صورت نداشتن پسر ، دختر از پدر ارث می‌برد . و همچنین فرزندان پسر بدختر (یعنی برعمه خود) مقدم هستند (ص ۳۴۸ تلمود) . پسران هم در ارث متفاوت‌اند نخست زاده او دوبرابر پسران بعدی ارث می‌برد .

اثبات جرم :

برای اثبات جرم دو شاهد مرد لازم است .
در هر جا تورات کلمه شاهد را بکار می‌برد مقصود دو گواه است مگر در جایی که خود کتاب مقدس صریحاً بیک شاهد اشاره کند .
اگر شهود بدروغ گواهی دهند و گواهی آنان موجب حکم قتل کسی شود و ثابت شود که شهادتشان کذب است شهود را می‌کشند .
شهادت خویشاوندان نزدیک و دوست و دشمن شخص درباره وی پذیرفته نیست ولی در شهادت مالی تاوان خسارتی را که وارد آورده است می‌پردازد. (ص ۳۱۰ تلمود).
طرز عمل دادرسی در محاکمات جنائی و مالی باهم فرق دارد (ص ۳۳۳ تلمود) .
به محاکمات مالی بوسیله دادگاه سه نفری رسیدگی می‌شود و به محاکمات جنائی توسط دادگاه بیست و سه نفری و نحوه حکم و قضاوت نسبت به امور مالی یا جنائی نیز فرق می‌کند مثلا در محاکمات مالی يك قاضی که عاينه متهم رای داده باشد بعداً می‌تواند فقط برای برائت او رای دهد نه بعکس (آغاز ص ۲۹۰ تلمود) .
یعنی اگر برای برائت متهم رای داده دیگر نمی‌تواند عقیده خود را تفسیر دهد و به محکومیت او رای دهد (ص ۳۱۲ تلمود) .

حکم تنبیها ت بدنی (که در فقه اسلامی به حدود و تعریضات تعبیر شده است) :
 تنبیها ت بدنی توسط دادگاهی مرکب از سه قاضی صادر می شود .
 قانون کلی چنین است که برای تخلف از یک نهی که در تورات آمده است حکم تازیانه
 زدن صادر شود .

جزو گناهانی که مرتکب آن مستوجب تازیانه زدن می شود می توان گناهان زیر را نام برد :
 زنا با بعضی از خویشاوندان ، بی حرمتی به معبد بیت المقدس ، خوردن غذا های
 ممنوعه ، خودداری از انجام بعضی فرائض دینی .

حداکثر ضربات تازیانه ۳۹ ضربه تعیین شده است و این در صورتی است که
 وی توان تحمل این عده تازیانه را داشته باشد و گرنه مشمول تخفیف می شود . همچنان
 اگر محکوم خود را پلید سازد بقیه ضربات را باو می بخشند ص ۲۲۴ .
 بابت صدمه و آسیبی که بر اثر ضرب و جرح بر کسی وارد شود صدمه رساننده
 موظف به پرداخت پنج گونه غرامت است :

تاوان صدمه بدنی ، تاوان درد ورنجی را که شخص آسیب دیده تحمل کرده ، مخارج
 دارو و درمان او ، غرامت ضرر از کار افتادگی وی ، و بالاخره جریمه خجالتی که
 بواسطه معیوب یا ناقص العضوشدن کشیده (که برای قسمت اخیر نسبت به هر یک
 از جنایات جریمه نقدی ویژه ای تعیین شده است) . مثلا اگر کسی گوش کسی را بکشد
 یا براو آبدهان بیندازد یا سرزنی را در معبر عام برهنه کند باید چهار صد زور بعنوان
 غرامت خجالت زدگی وی بپردازد .

در مورد قانون قصاص در تورات (عضو در عوض عضو) که در قرآن نیز بعنوان (العین
 بالعین) تعبیر شده علمای یهود آنرا تأویل می کنند و اظهار می دارند که در چنین مواردی
 شخص آسیب رساننده باید بابت آسیبی که به ممنوع خود وارد آورده است تاوان
 مالی بپردازد .

راجع به حقوق مدنی چون خرید و فروش ، اجاره و استجاره ، عاریت ، ودیعه و
 غیره و احکام آن در تلمود شروط و مقرراتی ضبط شده که برخی نیز مانند فتاوی علمای
 مذاهب اسلامی یا نظرات مجتهدین یک مذهب باهم اختلاف دارد که ما از ذکر آن خودداری
 می کنیم زیرا همه خوانندگان ما بشروط و مقرراتی که در اسلام برای آن بیان شده است

نیز واقف نیستند تا مقایسه آن برایشان ممکن باشد مثلاً خیار غبن که در اسلام برای هر یک از فروشنده و خریدار حق نسخ معامله را تجویز نموده است در تلمود چنین بیان شده که اگر مبلغ غبن بیک ششم بهای کالا برسد مقبوض کننده مبلغ غبن را بطرف مسترد می‌دارد و معامله برقرار است. ولی اگر بیش از یک ششم بهای کالا باشد معامله فسخ می‌شود (گنجینه تلمود ص ۳۴۲).

بامثلاً در مورد عاریت بر عاریت گیرنده چه در امانت‌داری قصور نموده و چه ننموده باشد، طبق نوشته تلمود (ص ۳۳۷) تاوان لازم است ولی در حقوق انلامی وی مانند سایر امانت‌داران (چون ودیعه‌نگهدار و مستأجر) ضامن تلف نیست یا در مورد اجازه چنانچه موجر بخواهد خانه را در فصل گرما تخلیه کند لازم است سی روز قبل بسوی اطلاع دهد و در مورد تخلیه دکان دوازده ماه قبل چنان که دکان نانوائی باشد باید از سه سال قبل بسوی اطلاع دهد (تلمود ص ۳۳۸).

دیگر از موارد اختلاف قانون تلمود با فقه اسلامی نسبت بقانون مرور زمان است که طبق قانون دینی یهود تصاحب مداوم وبدون مزاحم يك ملك تا سه سال که مورد اعتراض کسی واقع نشود. نشانه اثبات مالکیت ذی‌الیداست که اگر کسی پس از مدت مزبور ادعای مالکیت خانه یا زمین یا کارگاه مزبور را نمود از وی پذیرفته نیست. حق مزبور را اصطلاحاً (جزاقا) نامند.

مجازات قتل نفس :

هنگامی که وقوع قتل نفس برای دادگاه ثابت شود یکی از دو مجازات را در باره شخص محکوم اجرا می‌کنند. تبئید به یک شهر پناهگاه در صورتی که قتل سهواً رخ داده باشد و اجرای حکم اعدام در موردی که آدم‌کشی عمدی بوده (ص ۳۱۷ تلمود) و اعدام قاتل عمدی بگردن زدن وی صورت می‌گیرد.

حکم اعدام یکی از چهار صورت زیر اجرا می‌شود: سنگسار کردن (که در اسلام فقط در مورد لواط و زنای محصنه انجام می‌شود)، سوزانیدن، گردن زدن، خفه کردن (که محکوم را تابزانو در توده فرو می‌برند سپس شالی بدور گردن او پیچیده و دوسر شال را دو شاهد می‌کشند تا آن که خفه شود) سنگسار ابتدا بتوسط دو شاهد بر جنایت وی

انجام می‌شود و اگر سنگسار آنان موجب قتل‌وی‌نشود دیگران نیز شرکت می‌کنند تا جایی بقتل برسد. سپس جسد را از دودست محکوم که بهم‌بسته بودند تا فرارسیدن شب به چوبه‌دار می‌آویزند، ص ۳۲۰ تلمود.

جسد اعدام‌شده را در گورستان خانوادگی دفن نمی‌کردند بلکه دادگاه برای چنین اشخاصی گورستان اختصاصی داشت. تشریفات عادی سوگواری را برای این اشخاص اجرا نمی‌کردند (ص ۳۲۱ تلمود).

سنگسار برای جرائم ذیل انجام می‌شد:

- ۱- زنا با مادر زن یا با عروس خود یا با دوشیزه‌ای که نامزد دارد.
- ۲- عمل لواط (که در اسلام نیز یکی از شقوق مجازات وی سنگسار است).
- ۳- مقاربت غیر طبیعی مرد با یک زن یا یک حیوان.
- ۴- کفر و ناسزا گفتن.
- ۵- بت‌پرستی یا وادار کردن کسی را به بت‌پرستی.
- ۶- غیب‌گوئی بوسیله احضار ارواح مردگان.
- ۷- فال‌گیری، و جن‌گیری و جادوگری.
- ۸- بیحرمتی بقدوسیت شنبه.
- ۹- نفرین کردن فرزند پدر یا مادر خود را. و یاغی شدن فرزند بر پدر و مادر.

۱- زنا با دوشیزگانی که نامزد دارند. *شوشکا و علم انسانی و مطالعات فرهنگی*
این کسان به خفه‌شدن محکوم می‌شدند:
کسی که پدر یا مادر خود را بزند، مردی که بازن شوهر دار زنا کند، کسی که یهودی را بدزد، پیغمبر دروغین ...

سوختن مخصوص این اشخاص بوده است:

مردی که با یک زن و دختری هم‌خواب شود، دختر کاهنی که مرتکب زنا گردد*

* این بود مختصری از تاریخ یهود و فرق و مقالات و احکام آنان که از کتب مورد اعتماد و بیشتر از نوشته‌های کتابهای مقدس قوم، گردآوری و یادداشت گردید.